

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما میتوانید با مراجعه به Google Play نرم افزار Skytravels و با مراجعه به App Store نرم افزار Skytravellers را دانلود نمایید.

020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



یادداشت روز

حکومت در دو راهی جنگ و صلح

وقوع انفجار مرگبار صبح دیروز در کابل، جان ۳۰ تن را گرفت و ۳۲۷ تن دیگر را زخمی کرد. این آمار را وزارت داخله و وزارت صحت ارائه کرده است. اما سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری با نشر اعلامیه‌یی گفته است نزدیک به ۳۰ تن از سربازان کشور جان‌شان را در این انفجار از دست داده‌اند. احتمال این که آمار کشته‌شده‌ها و تلفات بیش از این‌ها باشد وجود دارد. طالبان مسئولیت این انفجار را به عهده گرفته‌اند. شدت انفجار کابل را به لرزه درآورد، ضمن آن که جان‌های بی‌شماری را گرفت و خسارات زیادی را به بار آورد، مردم شهر را دچار وحشت و سراسیمگی کرد. هرچند که رویدادهایی از این گونه به تکرار در این مرزبوم رخ داده است، این انفجار اما در نوع خود بی‌نظیر نبود و به لحاظ تلفات و خسارات چیزی کمی از انفجار شاه شهید نداشت.

ساعاتی پس از انفجار، برخی از مسئولین حکومت به محل حادثه آمدند. ارگ و اجرائیه اعلامیه‌های تکراری و الفاظ شدیدشان را که از مدت‌هاست با ادبیات مشابه بدون هیچ تغییری برای حوادث این چنینی به‌نشر می‌رسند، منتشر کردند و برای شهدا بهشت و برای زخمی‌ها شفای عاجل تمنا کردند!

رییس اجرائیه که در محل حادثه آمده بود با خبرنگاران گفته است: منتظر صلح نیستیم و طالبان را نابود می‌کنیم، سربازان صلاحیت دارند در هر مکان و زمان دهشت‌افگنان را از پا در بیاورند و جواب گلوله را با گلوله بدهند. ساعاتی بعد، آقای عبدالله اعلام کرد که سفارش به پاکستان را که قرار بود در اوایل ماه می انجام شود به تعویق انداخته است.

گزارش‌هایی نیز از دیدار اعضای مجلس با رییس حکومت...



سه‌شنبه‌ی خونین کابل

حمله‌ی انتحاری جان ۳۰ تن را گرفت و ۳۲۷ زخمی برجای گذاشت

صفحه ۲

خبرنگار ناراضی

صفحه ۳

طالبان به سازمان ملل شکایت می‌کنند

طالبان موثر مملو از مواد منفجره‌ی خویش را تا پای دیوار ارگ رساندند و منفجر کردند. ۲۷ نفر را کشتند و ۳۲۷ تن دیگر را زخمی. ارگ ریاست جمهوری در یک اقدام فوری به مردم شریف افغانستان اطلاع داد که طالبان در نبرد رودررو با نیروهای امنیتی، شکست خورده و حمله بالای ریاست دهم امنیت ملی، سند این شکست است.

حملات انتحاری سال‌هاست که از ما قربانی می‌گیرد. در هر حمله، تعداد قربانیان فرق می‌کند. به همین مناسبت، واکنش مقامات افغانستان هم نظر به حمله، فرق می‌کند. هر قدر حمله بزرگ‌تر باشد، تعداد بیشتر از قدرت‌فیسوران کشور واکنش نشان می‌دهند. مثلاً اگر حمله بالای یک مکتب باشد، در نهایت یک رییس جمهور بیچاره واکنش نشان می‌دهد، اما اگر حمله مثل حمله‌ی دیروز بالای ریاست محافظین رجال...



رییس جمهور خطاب به طالبان:

ما اراده‌ی کشتار شما را نداشتیم،
ما را مجبور ساختید

صفحه ۲



«بهشت آماده»

سفر یک کودک بمب‌گذار افغان

محب‌الله، در اولین نگاه یک نوجوان معمولی افغان به‌نظر می‌رسد که چشمان گشاد دارد، لبخندش نازک و لطیف است و رویای بچگانه‌ی تبدیل شدن به یک مشت‌زن در سر دارد. اما این نوجوان پانزده‌ساله دارد در کنج زندان پزمرده می‌شود؛ نوجوان پس از آن زندانی شد که طالبان او را به هدف تبدیل کردن به یک بمب‌گذار انتحاری شکار کردند. این نوجوان فراری در سال ۲۰۱۴، زمانی که نزدیک بود خودش را در مقابل دفتر یک ولسوال منفجر کند، دستگیر شد...



صفحه ۳

حول قضیه‌ی جنگ و صلح با طالبان ممکنات واقعی چیست؟

همه دوست داریم دست طالبان را به‌نحوی از انجا از کشتار مردم افغانستان کوتاه کنیم. برای این کار از چندین سال قبل طرح مصالحه با طالبان پیش کشیده شد، اما در عین حال طرح جنگ با طالبان نیز از سال ۲۰۰۵ به این سو پیوسته تعقیب شده است. ولی هیچ یک به نتیجه‌ی مطلوب نیانجامیده است. فکر نمی‌کنم مشکل اساسی در دو طرح جنگ و صلح باشد...



صفحه ۵

مراکش، قلب تروریسم جهانی



صفحه ۴

در هفته‌های پس از حمله‌ی تروریست‌ها به پایتخت بلژیک، مقامات و خبرنگاران هیچ فرصتی را برای تعیین مسیر و دریافت رابطه میان حملات بروکسل و فرانسه از دست ندادند. خطوط ارتباطی شبکه‌یی پیچیده از روابط خویشاوندی و همبستگی‌ها را در سراسر مرزها نشان می‌دهد و به طریقی از جکسون پولاک شواهد پیدا کرده است؛ اما با پیامی نگران‌کننده: این شکل‌ها و نقطه‌ها می‌توانند توطئه‌های مرگ‌بار تروریستی را از طرح اولیه تا مرحله‌ی اجرای آن نشان دهند. تعیین شکل و محتوای هسته‌ها و پایگاه‌های تروریستی در اروپا، در این تحقیقات امر حیاتی است اما در میان خطوطی...



نگرانی در بارسلونا

بخاطر سبک زندگی نیمار

۱۷۱



زیدان:

چانس بارسلونا و اتلتیکو بیشتر است

۱۷۱



چهارشنبه
۱ ثور
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۰۵۰



یادداشت روز

حکومت در دو راهی جنگ و صلح

کله جواد ناجی

وقوع انفجار مرگبار صبح دیروز در کابل، جان ۳۰ تن را گرفت و ۳۲۷ تن دیگر را زخمی کرد. این آمار را وزارت داخله و وزارت صحت ارائه کرده است. اما سرور دانش معاون دوم ریاست‌جمهوری با نشر اعلامیه‌یی گفته است نزدیک به ۳۰ تن از سربازان کشور جان‌شان را در این انفجار از دست داده‌اند. احتمال این‌که آمار کشته‌شده‌ها و تلفات بیش از این‌ها باشد وجود دارد. طالبان مسئولیت این انفجار را به‌عهده گرفته‌اند. شدت انفجار کابل را به‌لرزه درآورد، ضمن آن‌که جان‌های بی‌شماری را گرفت و خسارات زیادی را به‌بار آورد، مردم شهر را دچار وحشت و سراسیمگی کرد. هرچند که رویدادهایی از این‌گونه به‌تکرار در این مرزوبوم رخ داده است، این انفجار اما در نوع خود بی‌نظیر نبود و به لحاظ تلفات و خسارات چیزی کمی از انفجار شاه شهید نداشت.

ساعاتی پس از انفجار، برخی از مسئولین حکومت به محل حادثه آمدند. ارگ و اجرائیه اعلامیه‌های تکراری و الفاظ شدیدشان را که از مدت‌هاست با ادبیات مشابه بدون هیچ تغییری برای حوادث این چینی به‌نشر می‌رسند، منتشر کردند و برای شهیداً بهشت و برای زخمی‌ها شفای عاجل تمنا کردند!

رئیس اجرائیه که در محل حادثه آمده بود با خبرنگاران گفته است: منتظر صلح نیستیم و طالبان را ناپود می‌کنیم، سربازان صلاحیت دارند در هر مکان و زمان دهشت‌افکنان را از پا در بیاورند و جواب گلوله را با گلوله بدهند. ساعاتی بعد، آقای عبدالله اعلام کرد که سفرش به پاکستان را که قرار بود در اوایل ماه می انجام شود به تعویق انداخته است.

گزارش‌هایی نیز از دیدار اعضای مجلس با رئیس حکومت وحدت ملی به‌نشر رسیده که در آن غنی به نمایندگان پارلمان گفته است که به‌دلیل رفتارهای غیر صادقانه‌ی پاکستان، حکومت گفت وگوهای چهارجانبه‌ی صلح را «تحریم» کرده است.

بااین حال، انفجار دیروز یک‌بار دیگر پرسش‌های قدیمی در باب جنگ و صلح با طالبان را سر‌زبان‌ها جاری کرد و برخی ناگزیر شدند در این مورد حرف بزنند. آقای عبدالله بر خلاف ارگ ریاست‌جمهوری که پیش از این نیز گروه طالبان را «تروریست» می‌خواند دیروز هم تأکید کرد که سربازان صلاحیت دارند گلوله را با گلوله جواب بدهند. مسأله اما این‌جاست که مواضع اجرائیه چقدر بر سیاست‌های کلانی که حکومت وحدت ملی در امر گفت‌وگوهای صلح با طالبان و برنامه‌های امنیتی‌ی‌ی که شورای امنیت ملی در پیش گرفته تأثیرگذار است؟ در مورد صلاحیت‌ها و میزان تأثیرگذاری ریاست اجرائیه روی تصمیم‌گیری‌ها در حکومت وحدت ملی تردیدهایی وجود دارد. صلاحیت‌های ریاست اجرائیه مبهم است و آقای عبدالله بارها از وضعیت موجود و جایگاه قصر سپیدار لب به شکایت گشوده است. باری آقای عبدالله گفته بود که ریاست اجرائیه سمت تشریفاتی یا تحفه‌ی کسی نیست. معنای ضمنی این سخن فقدان صلاحیت آقای عبدالله در درون حکومت بود. با جدی شدن گفت‌وگوهای صلح، داکتر عبدالله به مردم اطمینان داده بود که در جریان گفت‌وگوها با طالبان با سرنوشته مردم معامله صورت نمی‌گیرد اما همیشه از لزوم شفافیت در گفت‌وگوها سخن می‌گفت. تأکید ایشان بر لزوم شفافیت به‌معنای این هم بود که ریاست اجرائیه آن‌گونه که باید در تصمیم‌گیری‌ها یا در جریان گفت‌وگوهای صلح قرار ندارد. بنابراین، به‌نظر نمی‌رسد ناامیدی داکتر عبدالله از گفت‌وگوهای ناکام صلح، بتواند روی تصمیم ارگ تأثیر بگذارد و باعث شود حلقه‌ی خاص در شورای امنیت نسبت به سیاست‌های نظامی و برنامه‌ی صلح کنونی تجدید نظر کند.

بن‌یست در گفت‌وگوهای صلح، شدت حملات طالبان، سر خوردگی ارگ از پاکستان (تحریم نشست‌های چهارجانبه) و بی‌باوری شهروندان نسبت به گفت‌وگوهای صلح جاری حکومت با طالبان آیا ارگ را وادار به تغییر خواهد کرد؟

کم نیستند کسانی که از «ستون پنجم» در حکومت سخن می‌گویند. ادعاهای سنگینی وجود دارند که مقامات بلندیاب‌ی حکومت وحدت ملی را متهم به همکاری با طالبان و گروه داعش می‌کنند. حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی اشرف‌غنی از سوی ظاهر قدیر متهم به همکاری با داعش شد. وزیر سرحدات بدون هیچ تردیدی با طالبان تفاهم‌نامه‌ی دندغوری را امضا کرد. احمدضیا مسعود، نماینده‌ی خاص غنی در امور حکومت‌داری خوب از حلقاتی در درون حکومت سخن گفت که مانع سرکوب طالبان می‌شود. ادعاهایی نیز مطرح شد که گویا حکومت جنگ را به شمال انتقال می‌دهد و در نازامی‌های جاری ولایات شمال دست دارد.

واقعیت امر این است که مجریان و کارگزاران اصلی مملکت جز اهداف مرموز و پنهانی‌شان، به هیچ حقیقت دیگری تن نمی‌دهند. با آن‌که طالبان همچنان به ترور و انتحارشان ادامه می‌دهند و مسئولیت حمله‌ی خونین دیروز را به‌عهده گرفتند اما اعلامیه‌ی ارگ حتا نامی از این گروه نبرده است. در حالی‌که انتظار می‌رفت ارگ ریاست‌جمهوری پس از رویداد هولناک دیروز واکنش جدی‌تری در قبال طالبان به‌عنوان یک گروه تروریستی اتخاذ کند، اما ریاست‌جمهوری تمام واکنشش نسبت به رویداد مرگبار دیروز را با یک اعلامیه‌ی محکومیت پایان بخشید و به‌زعم خودش مسئولیت قانونی‌اش در قبال حفظ جان شهروندان را با نشر این اعلامیه انجام داد. واکنش دیروز ریاست‌جمهوری یک‌بار دیگر بر این حقیقت تکیه داشت که مدارا با طالبان هنوز در دستور کار ریاست‌جمهوری است و اولویت دولت در رویارویی با طالبان هنوز صلح و تلاش‌های بی‌نتیجه و بی‌پایان در این راستاست.

سه‌شنبه‌ی خونین کابل

حمله‌ی انتحاری جان ۳۰ تن را گرفت و ۳۲۷

زخمی برجای گذاشت

اطلاعات روز: حمله‌ی انتحاری حوالی ساعت ۱۰ قبل از ظهر سه‌شنبه بر ریاست محافظت از رجال برجسته‌ی امنیت ملی در ساحه‌ی پل محمودخان، جان ۳۰ تن را گرفت و بیش از ۳۲۷ زخمی برجای گذاشت.

بیشتر جان‌باخته‌ها افراد ملکی می‌باشند که کودکان و زنان نیز در جمع آنان هستند.

حادثه ناشی از انفجار موتر مملو از مواد منفجره بود که ریاست ۱۰ امنیت ملی را که وظیفه‌ی حفاظت از سیاست‌مداران کشور را دارد، هدف قرار داد. پس از انفجار نیرومند که شدت آن چندین کیلومتر دورتر از محل رویداد نیز شیشه‌های ساختمان‌ها را فرور ریختاند، دو مهاجم با حمله بر ساختمان این اداره با

نیروهای امنیتی به درگیری پرداختند.

صدیق صدیقی سخن‌گویی وزارت داخله گفته است که در این رویداد ابتدا یک مهاجم انتحاری موتر حاوی صدها کیلوگرم مواد منفجره را در داخل یک سرای (پارکینک) شخصی، که در عقب ساختمان ریاست محافظت رجال برجسته موقعیت دارد، منفجر کرد که باعث تخریب بخشی از دیوار ساختمان شد و زمینه ورود مهاجم دومی به درون ساختمان را فراهم کرد.

به‌گفته‌ی صدیقی، مهاجم دومی پس از درگیری کوتاه از سوی نیروهای امنیتی از پا درآمد.

عبدالرحمن رحیمی، فرمانده پولیس کابل در محل حادثه به خبرنگاران گفت که در این حمله ۲۹ تن که اکثرشان غیرنظامی اند کشته و ۳۲۷ تن زخمی شده‌اند. اما صدیق صدیقی در نشست خبری تلفات این رویداد را ۳۰ کشته اعلام کرد.

وزارت صحت عامه می‌گوید که وضعیت شماری از زخمی‌ها وخیم است و ممکن آمار تلفات و زخمی‌های این رویداد افزایش یابد.

این انفجار شبیه انفجاری بود که سال گذشته در منطقه‌ی شاه شهید کابل رخ داد. حادثه‌ی شاه شهید نیز ناشی از انفجار یک موتر مملو از مواد منفجره بود که در آن ۱۵ غیرنظامی کشته و بیش از چهار صد نفر دیگر زخمی شدند.

گروه طالبان مسئولیت حمله‌ی دیروز را به‌عهده گرفت. حوالی ساعت هشت شب گذشته یک انفجار دیگر در ساحات شیرپور کابل رخ داد. صدیق صدیقی سخن‌گویی وزارت داخله در گفت‌وگو با رسانه‌ها این انفجار را ناشی از مابین جاسازی‌شده عنوان کرد.

اما فرمانده پولیس کابل گفته است که این رویداد ناشی از انفجار یک کپسول گاز بوده که تلفاتی در پی نداشته است.

واکنش مقام‌های دولتی؛ این حمله را محکوم کردند

رئیس‌جمهور غنی این حمله را به «شدیدترین الفاظ» محکوم کرد. ارگ ریاست‌جمهوری در اعلامیه‌یی نوشت: «رئیس‌جمهور اسلامی افغانستان با تأکید گفت که این عمل دشمنان مردم افغانستان نشان واضح از ضعف و شکست آنان در جنگ رودررو با نیروهای امنیتی و دفاعی کشور می‌باشد.»

رئیس‌جمهور خطاب به طالبان:

ما اراده‌ی کشتار شما را نداشتیم،

ما را مجبور ساختید

آیا می‌دانید که برای چه کسی کار می‌کنید؟ او افزوده: «شما برای دشمنان مردم افغانستان کار می‌کنید. یک‌بار فکر کنید و با عقل سنجش نمایید. یکبار در جلسه‌ی پگواش و نشست با زنان افغان ادعا می‌کنید که تغییر کرده‌اید، اما برای عمل شوم امروزی‌تان اعلام می‌کنید که شما مسئول آن هستید.» غنی همچنان گفته است همه‌ی قربانیان این رویداد پدر، فرزند و برادر کسی‌اند و شما انسان‌های مظلوم را به خطر می‌اندازید، «پس بدانید که با چنین اعمال‌تان عزم و اراده‌ی ما بیشتر از پیش مستحکم می‌شود و صلح، ثبات، امنیت و رفاه به وطن خویش می‌آوریم.»

آقای غنی به مسئولان شفاخانه‌های کابل هدایت داده است که برای تداوی زخمی‌های این رویداد تلاش کنند.

در انفجار انتحاری دیروز که ریاست دهم امنیت ملی را هدف قرار داد، ۳۰ کشته و ۳۲۷ زخمی برجای گذاشت. اکثر کشته و زخمی‌شده‌ها غیرنظامیان‌اند.

عبدالله‌عبدالله:

منتظر پاسخ مثبت طالبان

برای صلح نیستیم

اطلاعات روز: عبدالله‌عبدالله، رئیس اجرائیه در محل حمله‌ی انتحاری روز سه‌شنبه در ساحه‌ی پول محمودخان کابل گفت که افغانستان صدای صلح‌خواهی خود را بلند کرد، اما پاسخ مخالفان مسلح واضح و روشن رد بود.

آقای عبدالله در پاسخ به این پرسش که «چرا دولت منتظر صلح است، چرا علیه دشمنان جدی اقدام نمی‌کند و جواب جدی نمی‌دهد» گفت: «مسأله بسیار واضح و روشن است وقتی که دولت افغانستان صدای صلح را بلند کرده، به معنای این نیست که از جنگ و دفاع مردم غافل بوده. مسأله واضح بود که دشمنان افغانستان جواب رد داده بودند، منتظر این نبودیم که چه وقت جواب مثبت می‌دهند تا ما به دفاع مردم برخیزیم.»

رویداد انتحاری حوالی ساعت ده قبل از ظهر در منطقه‌ی پل محمودخان، جلو «ریاست حفاظت از رجال برجسته» امنیت ملی رخ داد. پس از انفجار نیرومندی که مواد منفجره در یک موتر جاسازی شده بود، سه مهاجم مسلح بر ساختمان این ریاست حمله کرده و برای چند ساعت با نیروهای امنیتی به درگیری پرداختند.

عبدالرحمن رحیمی، فرمانده پولیس کابل گفته است در این حمله ۲۹ تن که اکثرشان غیرنظامی‌اند کشته و ۳۲۷ تن زخمی شده‌اند.

آقای عبدالله همچنان از رهبران سیاسی و سران کشور خواست که در همچو حالات صدای خود را در برابر دشمنان افغانستان، خاک و مردم افغانستان بلند کنند.

عبدالله همچنان با اشاره به عملیات «شفق» نیروهای امنیتی که در ۱۲ ولایت کشور در حال اجرا است، گفت شورشیان مسلح در عملیات‌های نیروهای امنیت تلفات داده‌اند و با این حادثه‌ی انتحاری می‌خواستند انتقام بگیرند.

رئیس اجرائیه در پاسخ به این پرسش که «رویداد انتحاری دیروز در مرکز شهر کابل نشان ضعف استخباراتی نیست؟» گفت موضوع باید دقیق بررسی شود.

اظهارات عبدالله در حالی‌ست که گروه طالبان اشتراک در مذاکرات صلح را رد کرد و افزود بر آن در هفته‌های اخیر عملیات بهاری‌شان را زیر نام «عمری» آغاز کرد.



ایتالیا ۹۲ میلیون یورو

در ساخت سرک و خط آهن به

ولایت هرات کمک کرد

اطلاعات روز: یاولو چین‌تی‌لون، وزیر خارجه‌ی ایتالیا روز سه‌شنبه در سفری به ولایت هرات بسته‌ی جدید کمک ۹۲ میلیون یوروی کشورش به این ولایت را اعلام کرد.

وزیر خارجه‌ی ایتالیا در نشست خبری مشترک با محمد آصف رحیمی، والی هرات گفت که این مقدار پول جهت تکمیل خط آهن هرات-خواف و اسفالت سرک هرات – چشت به مصرف می‌رسد.

آقای چین‌تی‌لون همچنان گفته است که سرمایه‌گذاری‌های کشورش در بخش‌های امنیت، صحت، معارف و فرهنگ ولایت هرات از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است. او تأکید کرده که کشورش متعهد است که با افغانستان در بخش بازسازی به‌ویژه در عرصه‌های منابع بشری و زیربنایی همکاری کند.

او همچنان شرایط استراتژیک ولایت هرات بعد از رفع تحریم‌ها علیه ایران را با اهمیت خواند و تأکید کرد که تلاش‌ها به‌خاطر تقویت جایگاه ترانزیتی هرات افزایش خواهد یافت.

آصف رحیمی، والی هرات سفر وزیر خارجه ایتالیا را با اهمیت خوانده و گفت که ادامه‌ی همکاری ایتالیا امید به آینده را تقویت می‌کند.

آقای رحیمی نیز گفت که رفع تحریم‌ها علیه ایران روابط ترانزیتی در منطقه را تقویت نموده و اشتراک ایتالیا در تکمیل خط آهن هرات، سرآغاز همکاری‌های سه‌جانبه بین ایران، افغانستان و ایتالیا خواهد بود.

بند سلما درولسوالی چشت موقعیت دارد و سرک آن بخشی از شاهراهی است که به دهلیز افغانستان شهرت دارد و هرات را به غور، دایکندی، بامیان و کابل وصل می‌کند. خط آهن هرات – خواف هم در آینده نقش ترانزیتی هرات را به شدت افزایش خواهد داد.

طالبان به سازمان ملل شکایت می کنند

طالبان موثر مملو از مواد منفجره‌ی خویش را تا پای دیوار ارگ رساندند و منفجر کردند. ۲۷ نفر را کشتند و ۳۲۷ تن دیگر را زخمی. ارگ ریاست جمهوری در یک اقدام فوری به مردم شریف افغانستان اطلاع داد که طالبان در نبرد رودرو با نیروهای امنیتی، شکست خورده و حمله بالای ریاست دهم امنیت ملی، سند این شکست است.

حملات انتحاری سال‌هاست که از ما قربانی می‌گیرد. در هر حمله، تعداد قربانیان فرق می‌کند. به‌همین مناسبت، واکنش مقامات افغانستان هم نظر به حمله، فرق می‌کند. هر قدر حمله بزرگ‌تر باشد، تعداد بیشتر از قدرت فیسوران کشور واکنش نشان می‌دهند. مثلاً اگر حمله بالای یک مکتب باشد، در نهایت یک رییس‌جمهور بیچاره واکنش نشان می‌دهد، اما اگر حمله مثل حمله‌ی دیروز بالای ریاست محافظین رجال برجسته باشد، چوچ‌وپوچ این حکومت (که همگی خود را رجال برجسته می‌گیرند) واکنش نشان می‌دهند. واکنش‌ها فرقی ندارد. همه با «شدیدترین الفاظ» محکوم می‌کنند و سه روز که گذشت، دوباره از صادرات تیل به ارجنتاین، تولید برق برای نصف کشورهای آسیایی و غیره گپ می‌زنند و تمام این بزرگواران خود را در حبل‌الصلح آویزان می‌کنند تا این که حمله‌ی دیگری در کابل صورت گیرد. (حبل‌الصلح به ریسمانی گفته می‌شود که هرکس به آن چنگ بزند، کور می‌شود. آن وقت طالب را برادر، مار را ایزار بند این‌خلدون و گرگ وحشی را آهوی معصوم ترکستان می‌بیند).

اما حمله‌ی دیروزی بالای ریاست محافظت از رجال برجسته، متفاوت بود. متفاوت به این معنا که بعد از حمله، زمانی که ده‌ها نفس در انتحار ایستاد، ده‌ها انسان روی قیر جاده له شدند و صدها نفر مجروح؛ مقامات افغانستان، یا همان‌هایی که به‌زور خود را رجال برجسته می‌گیرند، یکی‌یکی رفتند به محل حادثه، عکس یادگاری گرفتند و از همان‌جا با «شدیدترین الفاظ» این حمله را محکوم کردند. رییس‌جمهور، رییس اجرائیه، وزیر، قوماندان، مشاور، نهادهای داخلی و خارجی همگی این حمله را با «شدیدترین الفاظ» محکوم کردند.

طالبان با قبول کردن شکست در جنگ رودرو از نیروهای امنیتی افغانستان، ادعا دارند که حکومت وحدت ملی هیچ انصاف ندارد. ما از دست حکومت وحدت ملی به سازمان ملل شکایت می‌کنیم. ما بشریم و تاب حمله با «شدیدترین الفاظ» را نداریم. کاش یک رییس صاحب جمهور بر ما حمله کند، هر راه‌رو-راه‌غیرد که در این حکومت رسیده، بر ما حمله می‌کند. ما یک موثر را به صد پدروالتی از مواد منفجره پر می‌کنیم به کابل روان می‌کنیم، اما بی‌انصاف‌های حکومت وحدت ملی هر کدام یک تانکر «الفاظ شدید» را بالای ما انفجار می‌دهند.

طالبان گفته به‌خاطری به سازمان ملل شکایت می‌کنیم که الفاظ شدید مقامات حکومت هیچ خلاصی ندارد. ما صدبار انتحار کردیم، صدبار با الفاظ شدید محکوم شدیم. به‌خدا اگر سنگ حجرالاسود جای ما بود، تا حالا به تلخان تبدیل می‌شد. اما پدر دم آدمی را لعنت! و ما تا هنوز تاب آورده‌ایم. ما دیگر طاقت حمله با «شدیدترین الفاظ» را نداریم، به سازمان ملل شکایت می‌کنیم که یا جلو حملات رییس‌جمهور و متبای رجال برجسته را بگیرند، یا ما از این بعد هم با مواد منفجره حمله می‌کنیم هم با «شدیدترین الفاظ»! باز آن وقت کسی نکوید که طالبان وحشی شده، هم انتحار می‌کنند هم با «شدیدترین الفاظ» محکوم! گفته می‌شود میزان تلفات طالبان در دو سال جاری حکومت وحدت ملی از محکوم کردن‌ها با «شدیدترین الفاظ»، ۱۷۰ درصد نسبت به ۱۴ سال قبل افزایش داشته، اما مردم افغانستان از بس با اشرف‌غنی بخیلی دارند، این دست‌آورد او را نادیده می‌گیرند. طالبان حتا ادعا کرده که دلیل صلح نکردن با حکومت وحدت ملی این است که ۷۰ درصد نیروهای خویش را از دست داده‌اند، پس چه فایده که صلح کنند؟ اگر صلح کنند باز نفر از کجا کنند که در وزارت‌خانه‌ها به حیث آمر و مشاور استخدام شوند. آن‌ها از حکومت وحدت ملی خواسته که اگر وحشی نیستید، اگر هنوز یک ذره بشریت در وجودتان شعله‌ور است، اگر افغان هستید؛ حملات گسترده‌ی خویش با «شدیدترین الفاظ» را متوقف کنید!

سازمان ملل آخرین آدرسی است که یک گروه مظلوم در صورتی که بسیار در حلقش ظلم شود و هیچ‌جای دیگر برای دادخواهی نمانده باشد، به آن مراجعه می‌کند. از دست ظالمان زمان شکایت کرده و در بسا موارد با حمایت و کمک سازمان ملل، به حق خویش می‌رسد. سخن گوی گروه طالبان گفت که ما برای نجات از تلفات سنگین حملات اشرف‌غنی با «شدیدترین الفاظ»، تقریباً مجبور شده‌ایم به سازمان ملل شکایت کنیم.

«بهشت آماده»:

سفر یک کودک بمب‌گذار افغان

منبع: تریبون
برگردان: حمید مهدوی



یک بمب‌گذار انتحاری شود؟». وی همچنین افزود که به‌سختی می‌تواند غذای شش کودکش را تأمین کند چه برسد به استخدام وکیل مدافع. «وقتی در زندان دیدمش، پرسیدم چرا از خانه فرار کردی؟ او گریه کرد. مرا در آغوش گرفت و گفت مرا به خانه ببر».

احسان‌الله، برادر کوچک‌ترش گفت: «بسیار دلتنگ محب‌الله هستم» و از روی علاقه از بازی کردن‌هایش با کسی که می‌خواهد یک مشت‌زن شود، یادآوری می‌کند. کلمات «قلب شکسته» روی دروازه‌ی سلول کوچک محب‌الله نوشته است؛ سولوی که در آن نه زندانی دیگر نیز وجود دارند. احمدالله سادات با شوخی به محب‌الله گفت: «به زندانی‌ها چیزهای خطرناکی مثل کاراته آموزش می‌دهی». محب‌الله متفاوت‌تر لیخن زد و با تصحیح حرف رییس خدمات حقوقی زندان گفت: «[کاراته نیست]، بوکس است». سادات گفت: «وقتی [از زندان] آزاد شوی، یک مشت‌زن عالی می‌شوی».

ناظران در پاکستان می‌ترسند

که مدرسه‌ها در پاکستان

زمینه را برای بی‌بردباری و

حتا افراط‌گرایی فراهم می‌کند

و همیشه خواستار نظارت

بیشتر [بر این مدرسه‌ها]

شده‌اند. بریان ویلیامز، که

تحقیق مربوط به سازمان سیا

در مورد تروریزم انتحاری در

افغانستان را انجام داده است،

به خبرگزاری فرانسه گفت:

«مدرسه‌ها در مناطق قبایلی

پاکستان کارخانه‌ی بمب‌گذاران

انتحاری هستند. خانواده‌های

این کودکان اغلب نمی‌دانند که

پسران‌شان استخدام شده‌اند

... تا این‌که پول وعده‌داده‌شده

به‌خاطر مرگ پسران‌شان را

در یافت می‌کنند».

مدارس غیر قانونی در پاکستان که اکثریت‌شان توسط عربستان تأمین مالی می‌شود، به او آموزش داده شد.

مقام‌های افغان ادعا می‌کنند که آن‌ها هدف نخست استخدام طالبان هستند. کابل با اسلام‌آباد روابط پرتنش دارد و پاکستان را به‌خاطر حمایتش از شورشیان سرزنش می‌کند و حکومت پاکستان، پس از سال‌ها، اخیراً پذیرفت که رهبری طالبان در این کشور پناهگاه‌های امن دارد.

ناظران در پاکستان می‌ترسند که مدرسه‌ها در پاکستان زمینه را برای بی‌بردباری و حتا افراط‌گرایی فراهم می‌کند و همیشه خواستار نظارت بیشتر [بر این مدرسه‌ها] شده‌اند. بریان ویلیامز، که تحقیق مربوط به سازمان سیا در مورد تروریزم انتحاری در افغانستان را انجام داده است، به خبرگزاری فرانسه گفت: «مدرسه‌ها در مناطق قبایلی پاکستان کارخانه‌ی بمب‌گذاران انتحاری هستند. خانواده‌های این کودکان اغلب نمی‌دانند که پسران‌شان استخدام شده‌اند ... تا این‌که پول وعده‌داده‌شده به‌خاطر مرگ پسران‌شان را دریافت می‌کنند».

شورشیان می‌گویند از «پسرانی که ریش ندارند» هرگز در عملیات‌های نظامی استفاده نکرده‌اند، اما مقام‌های افغان به‌طور معمول متوقف ساختن کودکانی را گزارش می‌دهند که طالبان از آن‌ها به‌عنوان بمب‌گذار استفاده می‌کنند و تعدادی از آن‌ها صرف شش سال دارند.

او به رسانه‌های محلی گفت که طالبان او را فرستاده بودند تا «سربازان کافر» را بکشد، اما در آخرین دقایق، با دیدن سربازان درحال نماز در داخل یک مسجد، دچار شک و تردید می‌شود. دیده‌بان حقوق بشر در یک گزارش اخیر گفت: «استفاده‌ی فراینده‌ی طالبان از کودکان ... بر وحشت جنگ طولانی افغانستان می‌افزاید.» «کودکان باید در مکتب و با پدر و مادرشان در خانه باشند و از آن‌ها به‌عنوان ابزار ستیزه‌جویی استفاده نشود». خبرگزاری فرانسه خانواده‌ی محب‌الله را دریایی کرده و در یک خانه‌ی گلین در سپین‌بولدگ، شهرک بدنامی که در امتداد مسیر قاچاق مواد مخدر در مرز پاکستان واقع شده است، یافته است. مادر محب‌الله، در حالی که آرام پشت حجابش گریه می‌کرد، او را بی‌گناه خواند. وی تأکید کرد: «او از پشک‌ها می‌ترسد. چطور می‌تواند

محب‌الله، در اولین نگاه یک نوجوان معمولی افغان به‌نظر می‌رسد که چشمان گشاد دارد، لبخندش نازک و لطیف است و روئایی بچگانه‌ی تبدیل شدن به یک مشت‌زن در سر دارد. اما این نوجوان پانزده‌ساله دارد در کنج زندان پژمرده می‌شود؛ نوجوان پس از آن زندانی شد که طالبان او را به هدف تبدیل کردن به یک بمب‌گذار انتحاری شکار کردند.

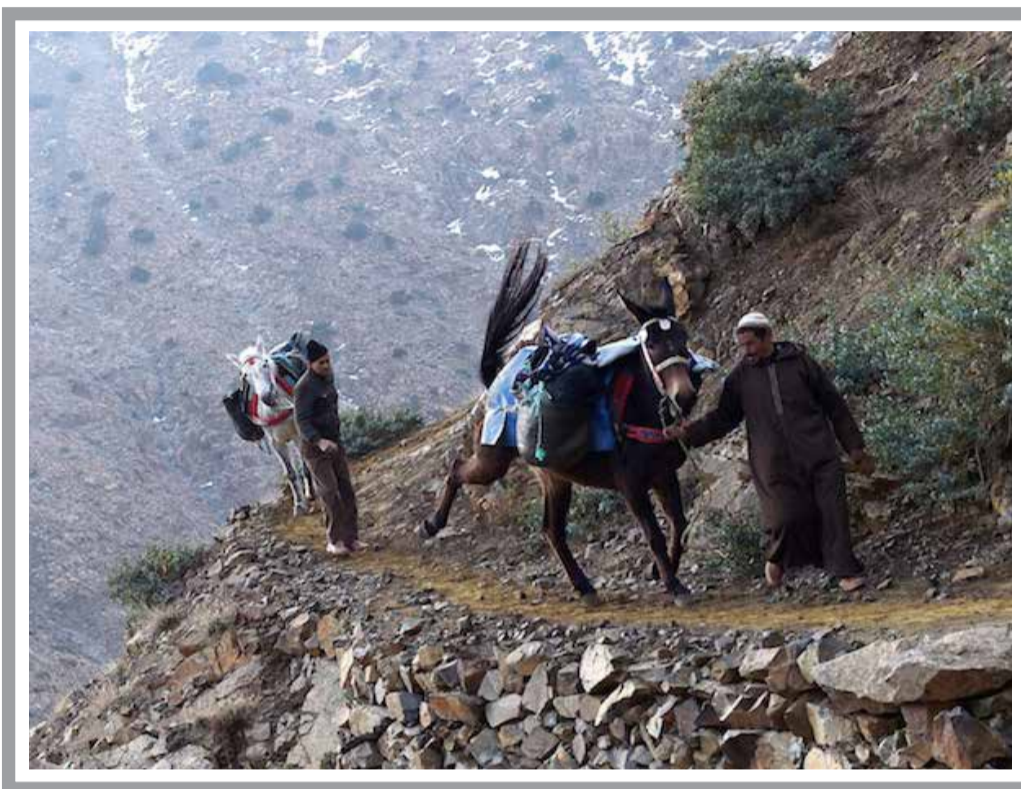
این نوجوان فراری در سال ۲۰۱۴، زمانی که نزدیک بود خودش را در مقابل دفتر یک ولسوال منفجر کند، دستگیر شد؛ مأموریت ناکامی که باعث شد او در شهر جنوبی قندهار در بازداشتگاه ویژه‌ی نوجوانان زندانی شود. چشمانش متورم می‌شود وقتی توضیح می‌دهد که چگونه در مورد افتخار شهادت به‌عنوان راه میانبر به‌بهشت که پر از حوران باکره و حوض شیر و عسل است، به او تعلیم داده می‌شد.

او در مصاحبه‌ی با خبرگزاری فرانسه در داخل زندان از یک مربی‌اش نقل قول کرده بود که «وقتی واسکت انتحاری‌ات را منفجر کنی، هیچ دردی را احساس نمی‌کنی و فوراً به‌بهشت می‌روی». محب‌الله که جاکت سبز رنگ و کلاه آراسته‌ی قندهاری پوشیده بود و داستانش فهم نگران‌کننده‌ی از چگونگی تبدیل شدن جنگ افغانستان به جنگ پنهان توسط کودکان ارائه می‌دهد، عصبانی روی یک چوکی در دفتر رییس زندان خیمه بود. مقام‌های زندان در جریان مصاحبه حضور داشتند. پشت سر او جرایم دیگر زندانیان این زندان با قلم درشت به زبان پشتو روی یک تخته‌ی سفید نوشته شده بود: دزدی، زنا، لواط و کاشت ماین‌های زمینی. او گفت که مربیانش او را وادار کرد از فهرست پنج هدف کلان یکی را انتخاب کند. او هدفی را انتخاب کرد که به‌نظرش آسیب‌پذیر بود: دفتر ولسوال ارغنداب در قندهار در یک منطقه‌ی سرسبز و پر از باغ‌های انگور و انار. وی گفت که با بغل‌کشی‌ها، گل‌انداختن‌ها و وعده‌ی یک زندگی ابدی پس از مرگ، در یک سفر غیر مستقیم به ارغنداب برده شد، بین مربی‌ها دست‌به‌دست شد و شب‌ها را در «دکه‌ی موترها» سپری کرد. مقام‌ها او را قبل از این که به هدفش برسد دستگیر کردند و او به چهار سال زندان در زندان ویژه‌ی نوجوانان متهم شد. محب‌الله در جریان مصاحبه‌اش ادعا کرد که در یکی از هزاران

مراکش، قلب تروریسم جهانی

فارین پالیسی / لینا هسینتو

ترجمه: معصومه عرفانی



در هفته‌های پس از حمله‌ی تروریست‌ها به پایتخت بلژیک، مقامات و خبرنگاران هیچ فرصتی را برای تعیین مسیر و دریافت رابطه میان حملات بروکسل و فرانسه از دست ندادند. خطوط ارتباطی شبکه‌ی پیچیده از روابط خویشاوندی و همبستگی‌ها را در سراسر مرزها نشان می‌دهد و به طریقی از جکسون پولاک شباهت پیدا کرده است؛ اما با پیامی نگران‌کننده: این شکل‌ها و نقطه‌ها می‌توانند توطئه‌های مرگ‌بار تروریستی را از طرح اولیه تا مرحله‌ی اجرای آن نشان دهند.

تعیین شکل و محتوای هسته‌ها و پایگاه‌های تروریستی در اروپا، در این تحقیقات امر حیاتی است اما در میان خطوطی که مناظر شهری اروپایی را به هم وصل می‌کنند، تپه‌ها، دره‌ها و شهرهای شمالی مراکش از یاد رفته‌اند. مراکش همان جایی است که ما باید به دنبال ردپاها بگردیم؛ و مسیرهایی که به نسل‌ها قبل، به دوران استعمار برمی‌گردند، و از دریای مدیترانه - دریایی که به‌جای تقسیم، اروپا و شمال آفریقا را به هم وصل می‌کند، تا بتوانیم به‌طور درست و کامل درک کنیم چه چیزی مردان جوان را ترغیب می‌کند تا برای ویرانی پایتخت‌های اروپای غربی تلاش کنند.

ریف، منطقه‌ی کوهستانی در مراکش، و شهرهای پرجمعیت و پرهیاهوی طنجه و تطوان در غرب که به مرز الجزایر متصل می‌شوند، در طی ۱۵ سال گذشته در قلب حملات تروریستی وجود داشته است. ریف منطقه‌ی فقیرنشین اما غنی از گیاهان ماری جوانا، فروشندگان حبشیش، قاچاقچیان، بازارهای سیاه و قهرمانان مقاومت است که علیه دولت‌های استعماری، پادشاهان پسااستعماری، و تمام قدرت‌های برتر ایستادگی کرده‌اند. برای کودکان ریف که در اروپا اسکان داده شده‌اند، این پس‌زمینه می‌تواند با مسایلی همچون به حاشیه رانده‌شدن، دسترسی به شبکه‌های جنایت‌کار، و افراط‌گرایی ترکیب شود تا اشخاص آسیب‌پذیر را به سمت اقدامات تروریستی هدایت کند.

این‌که ریف به حملات جهادی مرتبط است احتمالاً نخستین‌بار در سال ۲۰۰۴ و در پی دو انفجار شهر مادرید در ماه مارچ روشن شد؛ زمانی که مشخص شد تقریباً تمام افراد دخیل در این حملات از تطوان بوده‌اند. سه سال بعد از آن، خبرنگار نیویورک تایمز، آندریا الیوت، از ریف بازدید کرد و دریافت که تعدادی از جوانان تطوان از بمب‌گذاران مادرید الهام گرفته و راه خود را به سمت عراق باز می‌کنند تا همراه با نیروهای القاعده که پیش از دولت اسلامی در آن‌جا بودند، علیه نیروهای امریکایی جهاد کنند.

نزدیک به یک دهه بعد، این جهادی‌گرایی با حملات پاریس و بروکسل دنبال شد. یکی از آخرین ریفانی‌هایی که در سطح جهانی شناخته شده است، نجیم لاشراوویی، بمب‌ساز دولت اسلامی است که در سال ۲۰۱۳ به سوریه سفر کرد تا تخصص خود در مواد انفجاری را تکمیل کند. تا این زمان شاید همه چهره‌ی او را دیده باشند؛ او یکی از سه مردی بود که در فیلم دوربین مداربسته‌ی فرودگاه بروکسل در صبح روز ۲۲ مارچ درحال هل‌دادن چرخ‌دستی دیده می‌شود. در گزارش‌های اولیه ادعا شده بود که او «مرد سوم» - یا «مرد کلاه‌دار» - بوده و فرار کرده است. اما سارنوالی بلژیک اکنون اعلام کرده است که لاشراوویی یکی از دو بمب‌گذار انتحاری است که خود را در فرودگاه منفجر کردند.

لاشراوویی از مردم ریف بود؛ یک شهروند بلژیک که اگرچه در محله‌ی اسکاربیک بروکسل بزرگ شده بود اما متولد اجدیر بود، شهری کوچک در مراکش با تاریخی پر از افتخارات مردم ریف. مادر و پدر مظنون حمله‌ی پاریس، صلاح عبدالسلام و برادرش ابراهیم از حمله‌کنندگان پاریس، که کافه‌ها و رستوران‌ها را پیش از منفجرکردن خود در یک غذاخوری مشهور پاریس زیر نظر گرفته بودند، از مردم ریف بودند (سرده‌ی آن‌ها عبدالحمید عبود در اصل از ریف نبود، اما باید ذکر شود که خانواده‌ی او نیز از جنوب مراکش آمده بودند).

این مسیر طولانی به زمانی دور در گذشته بازمی‌گردد. تاریخ ریف سرشار از جنگ میان پادشاهان بربر در دوران پیش از استعمار است که راه را برای جنگ‌های بزرگ و شورش‌هایی علیه فرانسه و اسپانیا در دوران استعمار باز کرد. استقلال مراکش در سال ۱۹۵۶ منجر به عقب‌نشینی فرانسه و اسپانیا شد اما ادامه‌ی جنگ میان نخبگان مراکش تازه استقلال‌یافته و جمعیت بربر، چرخه‌ی دیگری از شورش و سرکوب توسط سلطان مراکش، محمد پنجم، را در پی داشت که توسط پسرش سلطان حسن دوم دنبال شد. ریف، به‌دلیل

سابقه‌اش در ترمدهای تاریخی، با دهه‌ها غفلت از سوی دولت مواجه شد.

شاه‌حسن دوم، هرگز از کاخ‌هایش در طنجه و تطوان دیدن نکرد. خدمات دولت در این مناطق ناچیز بودند، و در نتیجه این خلاء توسط اسلام‌گراها پر شد و آموزه‌های وهابی‌گری مانند شعله‌های آتش وحشی در محله‌های فقیرنشین شهرهایی مانند تطوان گسترش یافت. امروزه بالاترین نرخ فقر، مرگ مادران، بی‌سوادی زنان، و پایین‌ترین جایگاه در شاخص رشد مراکش، مربوط به این منطقه است. بنابراین، گرچه شاه فعلی مراکش، محمد ششم، در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده است اما بذل‌وبخشش‌های او سودی به حال مردم عادی نداشته است. همان‌گونه که الیوت در مجله‌ی نیویورک تایمز مطرح کرد، «بسیاری از مردم منطقه دریافتند که اتوموبیل‌های زهوادررفته‌ی آن‌ها تناسبی با بزرگ‌های جدید و هموار ندارد، یا این‌که آن‌ها به‌شکل تأسف‌آوری برای رقابت‌های شغلی در استراحت‌گاه‌های مجلل این منطقه ناآگاه هستند».

داستان خانواده‌ی عبدالسلام نیز در یک الگوی متعارف از مردم ریف جای می‌گیرد. پدر و مادر از روستای بویافار ولایت ناظور ریف آمده بودند؛ جایی که آن‌ها به مقصد الجزیره و بعد خاک فرانسه آن را ترک کردند. مردم کوهستان‌های بربر در این مناطق در مزرعه‌های متعلق به فرانسه کار می‌کردند یا در شهرهای ساحلی روبه‌افزایش الجزایر ساکن شده بودند که آن زمان تحت حاکمیت فرانسه قرار داشت. در همان‌جا بود که عبدالسلام شهروندی فرانسه را به‌دست آورد و در نتیجه باعث شد تا تمام کودکانش اتباع فرانسه به حساب بیایند. مرحله‌ی دوم مهاجرت ریفانی‌ها، پیوستن میلیون‌ها نفر به موج کارگران پس از دوران جنگ بود که معدن‌ها و کارخانه‌جات اروپای غربی را در طی سال‌های پس از جنگ رونق می‌دادند. عبدالسلام در دهه‌ی ۱۹۶۰ به بلژیک رفت.

اگرچه اروپا فرصت‌های اقتصادی متعددی را فراهم آورده بود که نسل اول مهاجران نسبت به آن سپاسگزار بودند، نسل بعد ناچار به تقلا برای زندگی بودند. رکود اقتصادی از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ در این وضعیت تأثیرگذار بود. صنایع بلژیک و معادن زغال‌سنگ آن که زمانی مراکشیان را از روستاهای‌شان به آن‌جا کشانده بود، بسته شد. نرخ بیکاری در کشور که در حدود ۸ درصد تخمین زده می‌شد، برای جوانان به بیش از ۲۰ درصد بالا رفت. برای بلژیک‌هایی که اصالت مراکشی یا ترک داشتند، این رقم می‌توانست به دو برابر آن یعنی ۴۰ درصد برسد.

اما بیکاری تنها عاملی نبود که برای جذب گروهی از مسلمانان بلژیک به جهاد سهم داشت. در میان اقلیت مسلمان بلژیک - حدود ۵٫۹ درصد کل جمعیت ۱۱٫۳ میلیونی این کشور - مراکشی‌ها بزرگ‌ترین گروه را تشکیل می‌دهند (حدود ۴۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ نفر)، و بعد از آن‌ها مسلمان‌هایی با

سال گذشته، ابوطالب که خود متولد مراکش

است، زمانی که خطاب به مسلمان‌ها گفت

اگر نمی‌خواهند خود را تطبیق بدهند بهتر

است «صدای خود را ببرند»، سروصداهای

زیادی در محافل سیاسی به راه انداخت.

گرچه از گفتن این مسأله خسته شده‌ام،

اما بار دیگر تکرار می‌کنم: زمان آن رسیده

است که جوامع مسلمان را در بالاترین

سطح این جنگ وارد کنیم. اسلام‌هراسی

اروپایی‌های سفیدپوست و سیاست‌مداران

چپ را فراموش کنید. آن‌ها می‌توانند

در سالن‌ها و استدیوهای خودشان به

مشاخره و استدلال بپردازند. اما این جنگ،

باید در خیابان‌ها، از مالین‌بیک تا تطوان، به

پیروزی برسد.

اصالت ترک قرار می‌گیرند. درحالی‌که اتباع ساکنان بلژیک با اصالت مراکشی اکثر لیست‌های جهادیان را در طول ۱۵ سال گذشته به خود اختصاص داده‌اند، کارشناسان به این نکته اشاره کرده‌اند که نام‌های مردم ترک در این لیست‌های تروریستی وجود ندارد. در کشوری مانند بلژیک - که برخلاف فرانسه هیچ سابقه‌ی در استعمارگرایی در جهان اسلام ندارد، در سیاست‌گذاری‌ها و چرخه‌های اطلاعاتی توجه کافی به ریشه‌های مجرماتی که تبدیل به جهادی می‌شوند صورت نگرفته است. این مسأله تأسف‌آور است چرا که پاسخ آن می‌تواند در شکل‌گیری راه‌حلی برای مقابله با آن‌چه دراصل مشکل داخلی با مفاهیم فراملیتی است کمک کند.

چرا بلژیک‌های ترک‌تبار تحت تأثیر جهادگرایی قرار نمی‌گیرند؟ دلایلی که می‌توان ارایه کرد متعدد هستند: نخست این‌که آن‌ها ترک‌زبان هستند و نسبت به برادران مراکشی خود کمتر در معرض تبلیغ وهابی‌های عرب قرار می‌گیرند. مسأله‌ی بعدی فرهنگ است: دیدیه لروی، پژوهشگر برجسته‌ی تروریسم در آکادمی نظامی سلطنتی بلژیک در مصاحبه‌ی در رابطه با «نوع خاصی از ساختار هویتی در جامعه‌ی ترکیه» صحبت کرده است که در آن «میراث سکولار مصطفی کمال آتاتورک... احتمالاً هنوز هم نقش مهمی دارد». عامل مهم دیگر این است که مساجد چگونه و توسط چه ملا امام‌ها و افرادی اداره می‌شوند: ترکیه برای پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی جوامع ترک بلژیک، امام‌هایی از ترکیه می‌فرستد و بیشتر مساجد آن‌ها توسط

اداره‌ی امور مذهبی ترکیه اداره می‌شود که فضای مذهبی را کنترل می‌کند. درمقابل، مساجدی که اکثر مردم مراکشی به آن‌ها می‌روند، غالباً توسط امام‌هایی اداره می‌شوند که در کشورهای خلیج آموزش دیده‌اند و به گفته‌ی منتقدان، سلفی‌گری را تبلیغ می‌کنند که نسبت به مدرسه‌ی مالکی که در شمال و غرب آفریقا فعال است، برداشتی به‌مراتب رادیکال‌تر از اسلام است.

اما در کنار تمام این‌ها، عامل خاص دیگری در ریف برای رادیکالیزه‌شدن وجود دارد.

ناآرامی، سوءمدیریت، و بی‌توجهی، که از عصر استعمار تاکنون ادامه داشته است، انعکاس‌دهنده‌ی مشکلات مناطق قبیله‌ای پاکستان است. مانند ریف، مناطق قبیله‌ای پاکستان نیز توسط کدهای سنتی رفتاری اداره می‌شدند که بر پایه‌ی غیرت، انتقام، و مهمان‌نوازی بنا شده است. زمانی که نظم قدیمی ویران شد، در غیاب نهادهای دولتی، ایدئولوژی‌های جهادی در این مکان‌ها مانند محصولات ماری جوانا در ریف و یا گیاه‌های خشخاش در هلمند پرورش یافتند.

نادیده‌گرفتن این منطقه تاحدودی حتا بر ریفانی‌های خوش‌شانسی که از فقر در خانه فرار کرده و به اروپا رفته بودند نیز تأثیر گذاشته است. زمانی که نسل‌های قدیمی به الجزیره‌ی تحت حاکمیت فرانسه، بلژیک یا سرزمین اصلی فرانسه رسیدند، دریافتند که به‌عنوان ساکنان منطقه‌ی تحت کنترل اسپانیا، زبان فرانسوی آن‌ها در حد استاندارد نیست و گویش خود آن‌ها نیز عربی بود.

در چنین شرایطی، آداب و رسوم ریفانی‌ها و کدهای سنتی رفتاری در رابطه با عدالت، غیرت، و بدگمانی به مقامات نیز به محله‌های بروکسل منقل شده و اجازه‌ی رشد و گسترش یافت. نمی‌توان گفت که این توضیح منصفانه است اما مقامات بلژیک جامعه‌ی ریفانی‌ها در این کشور را با بی‌قانونی، و «فرهنگ قبیله‌ای و تهاجمی» تعریف کرده‌اند که آن را از جوامع مهاجر دیگر جدا می‌کند. در مقاله‌ی سیاسی در پولیتیکو، تئون ولتان که در منطقه‌ی مالین‌بیک زندگی کرده بود اشاره می‌کند که چگونه مانند بسیاری از سفیدپوست‌ها از اجاره‌های مناسب این منطقه استفاده کرده و به آن‌جا رفته است با این تصور که کودکانش با کودکان همسایه‌های مراکشی خود در منطقه‌ی چندفرهنگی و دوستانه بازی خواهند کرد. اما او در ادامه بیان می‌کند که «آن‌جا را به سختی می‌توان منطقه‌ی چندفرهنگی نام گذاشت. با حدود ۸۰ درصد جمعیت که اصالت مراکشی داشتند، آن‌جا هماهنگ و همگن بود. در مناطق دیگری هم‌چون کازابلانکا امکان پیاده‌شدن فرهنگ جایگزین فعال‌تری وجود داشت اما در مالین بیک هرگز».

آنچه ولتان درک نکرده بود - و آن‌چه بسیاری در بلژیک هنوز نمی‌دانند - این است که «فرهنگ‌های جایگزین» در کازابلانکا همانقدر از مالین‌بیک دور هستند که تپه‌های ریف از کاخ سلطنتی در رباط. درحالی‌که تازه‌واردان احساس بیگانگی می‌کنند، برای مهاجران قدیمی و کودکان‌شان، آن‌ها نوارهایی برای اتصال هستند. و همین روابط میان مردم ریف و رفتارهای آن‌ها براساس کدهای رفتاری سنتی مهمان‌نوازی و بالاتر از قانون قراردادن خویشاوندی بود که به صلاح و ابراهیم عبدالسلام، برادران جنایتکار جهادی، اجازه داد که خود را پنهان کنند.

سرویس‌های امنیتی بلژیک و فرانسوی با اکثریت سفیدپوست‌ها، باید چنین شبکه‌هایی را در هم شکسته و در آن نفوذ کنند. خب، می‌توان برای آن‌ها آرزوی خوش‌شانسی کرد. اما بهترین راه برای مواجهه به این مشکلات، تنوع‌بخشیدن به سرویس‌های امنیتی و تضمین این امر است که مهاجران در تلاش برای یافتن پایگاهی در جامعه‌ی غربی ناچار به شکستن سقف‌هایی شیشه‌ای نیستند. اگرچه درک تفاوت‌های ریشه‌ای ظریف - مخصوصاً در رابطه با استخدام امام‌های مساجد و همکاری‌های امنیتی میان مقامات اروپایی و آفریقای شمالی - مهم است، اما تضمین این مسأله که ما در دام کلیشه‌ها گرفتار نمی‌شویم نیز به همان میزان اهمیت دارد. بدیهی است که تمام ریفانی‌ها جهادی یا مستعد به اقدامات مجرمانه نیستند. اروپا تحصیلکرده‌ها و افراد سیاستی‌زیادی از مردم ریف دارد. برای مثال، شهردار روتردام، احمد ابوطالب، یکی از آن‌ها است.

سال گذشته، ابوطالب که خود متولد مراکش است، زمانی که خطاب به مسلمان‌ها گفت اگر نمی‌خواهند خود را تطبیق بدهند بهتر است «صدای خود را ببرند»، سروصداهای زیادی در محافل سیاسی به راه انداخت. گرچه از گفتن این مسأله خسته شده‌ام، اما بار دیگر تکرار می‌کنم: زمان آن رسیده است که جوامع مسلمان را در بالاترین سطح این جنگ وارد کنیم. اسلام‌هراسی اروپایی‌های سفیدپوست و سیاست‌مداران چپ را فراموش کنید. آن‌ها می‌توانند در سالن‌ها و استدیوهای خودشان به مشاخره و استدلال بپردازند. اما این جنگ، باید در خیابان‌ها، از مالین‌بیک تا تطوان، به پیروزی برسد.

حول قضیه‌ی جنگ و صلح با طالبان ممکنات واقعی چیست؟

جمعه احمدی



توهین و توقیف خبرنگاران از سوی نیروهای امنیتی در محل انفجار در کابل

اطلاعات روز: یک خبرنگار رادیو دویچه‌وله و یک خبرنگار تلویزیون آریانا نیوز که می‌خواستند از انفجار روز سه‌شنبه کابل گزارش تهیه کنند با بدرفتاری نیروهای امنیتی مواجه شدند.

حسین سیرت، خبرنگار آزاد رادیو دویچه‌وله صدای آلمان در صفحه‌ی فیس‌بوک خود نوشت، زمانی که می‌خواستیم برای پوشش این رویداد از چهارراهی پشتونستان چند عکس بگیریم از سوی مأموران امنیت ملی «تهدید، توهین، دشنام و توقیف» شدم و آن‌ها تمام وسایل خبرنگاری را قید کردند.

آقای سیرت نوشته است که هرچند بارها برای مأموران امنیت توضیح دادم که من خبرنگارم و به‌صورت قانونی فعالیت دارم و کارت خبرنگاری‌ام را نیز به آن‌ها نشان دادم. اما آن‌ها مرا بیش از نیم ساعت توقیف کردند. وقتی تلاش کردم که تا به آن‌ها بفهمانم که خبرنگارم و باید از محل حادثه گزارش تهیه کنم، دشنام دادند و چند بار تهدید به لت‌وکوب کردند. آن‌ها به من گفتند که از مراکز نظامی برای خارجی‌ها عکس تهیه می‌کنی و به این دلیل بارها تهدید لفظی کردند.

سیرت نوشته: «آن‌ها چیپ (حافظه) کمره‌ی عکاسی‌ام را گرفتند. برای‌شان گفتیم که با این کار مانع کار خبرنگاری‌ام می‌شوید. تأثیری نکرد و مرا با تهدید و توهین از محل (چهارراهی پشتونستان) بیرون کردند. پس از آن که تلفونم را با خود بردند و دوباره تحویل دادند، تلفونم کار نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد امنیت ملی تمام محتویات تلفونم که عکس‌های خانوادگی نیز در آن‌ها بود، کاپی‌برداری کرده است. از این‌که عکس‌های خانوادگی در بین حافظه‌ی کمره است، نگرانم.»

آقای سیرت به اطلاعات روز گفت که خواستار مسترد کردن کارت خبرنگاری و حافظه‌ی کمره‌ی عکاسی خود است. سیرت افزود: «نیروهای امنیتی افغانستان مانع فعالیت قانونی خبرنگاران می‌شوند و جلو آزادی بیان را می‌گیرند و آن را محدود می‌کنند.»

فرشاد صالح، خبرنگار تلویزیون آریانا نیوز نیز که برای پوشش این رویداد به محل حادثه رفته بود با برخورد خشن نیروهای امنیتی مواجه شده است. ویدیویی که از این صحنه به‌نشر رسیده، نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی صالح با الفاظ «تند و تیز» با او صحبت می‌کنند و تکان‌تکان او را از محل دور می‌کنند و اجازه‌ی تهیه‌ی گزارش را به وی نمی‌دهند.

در همین حال نی یا حمایت‌کننده‌ی رسانه‌های آزاد افغانستان با نشر اعلامیه‌ی گفته است اهانت خبرنگاران و ایجاد محدودیت بر کار اطلاع‌رسانی، از سوی نهادهای امنیتی غیرقابل تحمل است.

این نهاد اهانت و توقیف خبرنگاران از سوی موظفین امنیتی را غیرقانونی دانسته و خواهان پیگیری این مسأله از سوی مراجع مسئول می‌باشد.

نی از مسئولان و سربازان امنیتی خواسته است تا در موارد و مواقع حساس و بحرانی خونسردی‌شان را حفظ نموده و بدانند همان‌گونه که حفظ و تأمین امنیت از وظایف آن‌ها است، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی نیز از وظایف خبرنگاران بوده و نباید مانع کار خبرنگاران شده و با خشونت علیه خبرنگاران و فلمبرداران برخورد نمایند.

خبرنگاران در افغانستان در کنار مشکلات دیگر، به‌صورت درست به اطلاعات دسترسی ندارند. در حالی که نهادهای رسانه‌ای در پی اجرای شدن قانون حق دسترسی به اطلاعات هستند، نیروهای امنیتی و ادارات دولتی هنوز هیچ اقدامی برای اجرایی شدن این قانون نکرده و خبرنگاران و رسانه‌ها هنوز با چالش‌های جدی در تهیه‌ی گزارش و دسترسی به اطلاعات مواجه‌اند.

بیخ‌وبن اصلاح نشود، ناممکن است فاجعه‌ی شاه شهید و کندز و پل محمودخان و ده‌ها مورد دیگر اتفاق نیافتد و طرح‌های جنگ و صلح با طالبان نتیجه‌ی مطلوب به‌دست دهد.

کسانی که با احساسات تمام جنگ را راه حل می‌دانند، بهتر است کمی مکث کنند که این جنگ به چه شیوه، توسط چه کسانی و در چه ساختار سیاسی، بر اساس چه میکانیزم‌ها و چگونه رهبری خواهد شد؟ مردم چه نقشی در تغییر وضعیت می‌توانند داشته باشند؟

به‌عنوان نتیجه‌گیری؛ تا مردم بصورت یک جنبش فراگیر خودجوش و خروش مدنی، با خواسته‌ها و طرح‌های مشخص اصلاح‌طلبانه، به‌ویژه در بخش‌های ساختار قدرت، میکانیزم توزیع قدرت، شیوه‌ی رهبری حکومت و به‌ویژه رهبری جنگ و صلح با طالبان، رفع فساد، مسئولیت‌پذیری دولت در قبال ملت و امثال این‌ها وارد میدان سیاسی جامعه نشوند، روال به‌همین‌گونه ادامه خواهد یافت.

آن قانون اساسی، پیوسته به‌شیوه‌های حکومت‌داری مبتنی بر سنت‌های کلان اجتماعی - سیاسی ارجحیت بخشیده و پایش را جای پای عرف و سنت‌های حاکمان تاریخی افغانستان پیشا انقلاب هفتم ثور ۱۳۵۷ مانده است؛ با این تفاوت که احمد شاه ابدالی از طریق تقسیم قدرت با سران قبایل بر مناطق تحت قلمروش حکمرانی می‌کرد و امیر عبدالرحمان با استفاده از قوه‌ی قهریه‌ی خویش از میران و رؤسای طوایف و قبایل شبکه‌ی حکومتی متمرکز را بنا می‌کرد و ظاهر شاه با باج دادن به سران قبایل، آن‌ها را رام حاکمیت خود می‌ساخت، ولی حامدکرزی و اشرف‌غنی با توزیع قدرت بین تکنوکرات‌ها و سران تنظیمی پشتون و سران تنظیمی ازبیک و هزاره و تاجک بر جامعه حکم می‌راند. به‌لحاظ میتودیک تفاوت در مهره‌های حکومت است: رهبران تنظیم‌های قومی به‌جای سران قبایل و رؤسای طوایف.

برداشت من این است که تا این شیوه‌ی حکومت‌داری از

همه دوست داریم دست طالبان را به‌نحوی از انجا از کشتار مردم افغانستان کوتاه کنیم. برای این کار از چندین سال قبل طرح مصالحه با طالبان پیش کشیده شد، اما در عین‌حال طرح جنگ با طالبان نیز از سال ۲۰۰۵ به این سو پیوسته تعقیب شده است. ولی هیچ یک به نتیجه‌ی مطلوب نینجامیده است.

فکر نمی‌کنم مشکل اساسی در دو طرح جنگ و صلح باشد، بلکه چالش‌های چه بسا پیچیده و دست‌وپاگیر، در مورد مصالحه و جنگ با طالبان فراروی دولت افغانستان وجود دارد که مهم‌ترین این چالش‌ها ابعاد داخلی آن می‌باشد.

اگر طرح جنگ با طالبان را محور قرار دهیم، یکی از ابعاد داخلی آن بعد اجتماعی جنگ است؛ طی ده سال گذشته با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ی به‌ویژه روستایی افغانستان مرزبندی اجتماعی بین طالبان و مردم به‌ویژه در مناطق روستایی افغانستان - که دولت مرکزی به‌ر دلیل کنترل لازم را در آنجا ندارد - فروریخته است. در بسیاری مناطق افغانستان سربازان طالبان افغانستانی‌هایی‌اند که یا به لحاظ باورهای

ایدئولوژیک، یا به‌واسطه‌ی زور و یا هم در ازای ایجاد فرصت‌های عایداتی، با طالبان همدلی و همسویی دارند و در صف آن‌ها و برای آن‌ها می‌جنگند. نان طالبان توسط زنان افغانستانی پخته می‌شود. خانه و کاشانه‌ی آن‌ها در محله‌های زندگی مردم عام است. لباس‌های آن‌ها با دستان مردم محل شسته می‌شوند. دعاوی مردم در دادگاه‌های طالبان حل‌وفصل می‌شود. پیش‌نماز مساجد بسیاری از مناطق بیرون از کنترل دولت، مولوی‌های طالبان‌اند ... از این جهت طالبان نه‌فقط به‌عنوان یک

گروه/سازمان تروریستی، بلکه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی فعال با مردم برخی از مناطق افغانستان در آمیخته‌اند. ما در کابل و شهرها طالبان را - به‌حقیقت - دشمن خطاب می‌کنیم، اما آیا در مناطق دوردست ننگرهار، هلمند، کندز، زابل، کندهار، پکتیکا، پکتیا، غزنی و ... نیز مردم همصدا با هم‌وطنان شهری و دولت مرکزی‌شان به طالبان با دید دشمن می‌نگرند؟ اگر هم می‌نگرند، کدام

پوتانسیل اجتماعی و سیاسی آن‌ها را علیه طالبان تحت حمایت می‌گیرد؟ این‌ها واقعیت‌های انکارناپذیر اجتماعی در مورد طالبان، مردم و دولت افغانستان است که روی سکه‌ی اجتماعی دولت افغانستان را نیز توضیح می‌دهد. دولت افغانستان به‌ویژه با میدان دادن به فساد و چپاول‌گران تنظیمی در پوشه‌ی مشارکت سیاسی اقوام و قدرت‌مند ساختن سیاسی و اقتصادی آن‌ها قربان اجتماعی خود با جامعه را از دست داده است. در سطح دولت تنها نیرویی که هنوز سخنی و قربان اجتماعی‌اش با قوت تمام باقی

است، سربازان - نه هیأت رهبری - ارتش ملی، امنیت ملی و پولیس ملی است. سوی سربازان ارتش، امنیت و پولیس، حتی معلمان مکاتب و مأموران پایین‌رتبه‌ی دولت، به‌دلیل آغستگی در فساد و بی‌کفایتی، قربان اجتماعی خود با مردم را از دست داده‌اند. براین‌اساس طرح جنگ و صلح و به‌ویژه جنگ با طالبان نیازمند دقت و تدبیر سنجیده‌شده‌ی اجتماعی و سیاسی می‌باشد و هرگز نمی‌توان آن‌را در سطح یک خواست احساساتی ناشی از نفرت نسبت به طالبان و یا دولت و یا هم یک رخداد فروکاست.

بعد دیگر داخلی قضیه‌ی جنگ و صلح با طالبان بعد سیاسی آن با توجه ویژه به شیوه‌ی رهبری دولت و حکومت افغانستان است.

دولت افغانستان پس از سقوط طالبان در شیوه‌ی حکومت‌داری خود با وجود قوانین نافذی کشور و در رأس

مؤسسه انتشارات عرفان

مژده به اهالی فرهنگ و ادب
با خرید یک دوره کتاب سراج التواریخ ۱-۲-۳
یک دوره کتاب افغانستان در مسیر تاریخ
هدیه دریافت کنید.

مؤسسه انتشارات عرفان

آدرس: کابل چوک دهبوری،
چهار راه شهید، روبروی مسجد، منزل دوم

شماره‌های تماس: ۰۷۹۹۳۴۹۷۲۷ / ۰۷۹۳۲۵۴۵۲۹

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ سردبیر: جواد ناجی
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگران: راحله رسول، الیاس نواندیش
- ❖ ویراستار: عمران راتب
- ❖ صفحه آرا: هادی دریابی
- ❖ بازارباب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- ❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲



Ramin Anwari

ایجاد محدودیت در اطلاع‌رسانی و کوتاه کردن دست خبرنگاران از متن حوادث و اطلاعات، نه تنها این که کمکی به حال زار دولت افغانستان نمی‌کند که اوضاع را بیشتر متشنج می‌سازد. در پی حادثه‌ی مرگبار امروز در کابل، حداقل دو مورد شکایت مستند (نوشتاری و ویدیویی) از خبرنگاران را متوجه شدم که از برخورد خشن نیروهای امنیتی و وضع محدودیت در اطلاع‌رسانی حکایت داشتند. همزمان با این، دوست عزیز و گرامی ما، سخن‌گوی وزارت داخله نیز در توئیتر و فیس‌بوک خود از خبرنگاران تقاضا کرد که «مزاخه» نیروهای امنیتی نشوند. موارد مشابه به این، از زمان ایجاد حکومت «وحدت ملی» به تکرار دیده شده و می‌رساند که این مسأله، آرام‌آرام تبدیل به یک سیاست فعال حکومت شده است. این حرکات، غیر از این که با هدف پوشاندن ضعف حکومت صورت می‌گیرد، توجیه منطقی دیگری ندارد. می‌خواهم به مسئولان یادآوری کنم که دسترسی به اطلاعات از جمله حقوق شهروندی است و قانون اساسی افغانستان آن را تضمین کرده است. در کنار این که این سیاست، راه به نظام دیکتاتوری می‌برد، زمینه را برای پخش اطلاعات نادرست و شایعات نیز فراهم می‌کند. وقتی مردم به اطلاعات دقیق دسترسی ندارند، هرچه را که در سر کوچه و بازار شنیدند و می‌پذیرند و بازپخش می‌کنند. افغانستان بیش از ده سال است که با حوادث تروریستی و حملات انتحاری روبه‌روست و این حقیقت به کسی پوشیده نیست. به جای وضع محدودیت و ایجاد فضای خفقان‌آور، به رسانه‌ها (که ادعا می‌شود بزرگترین دستاورد افغانستان در سال‌های اخیر است) فرصت بدهید کار خود را انجام بدهند. حداقل از دوستانی که قبلاً در فضای رسانه‌ای کار کرده‌اند و یا آن‌هایی که از ارزش‌های دموکراتیک حمایت کرده‌اند و حالا به حکومت پیوسته‌اند، و تصادفاً با شعار اصلاحات به حکومت رفته‌اند، انتظار می‌رود این مسایل را به رهبری حکومت گوشزد کنند.



Shakor Nazari

اشکالات اصلی کار کجا و چه چیزهایی‌اند؟ چگونه است که صلح، این خواست همگانی، تاکنون تحقق نیافته و امنیت برقرار نشده است؟ واقعیت این است که صلح حداقل دارای دو بعد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. بعد نرم‌افزاری بیشتر به کار تبلیغاتی و ارتقای روانی مردم و نیروهای امنیتی از یک‌سو و متقاعدکردن نیروهای مخاصم به کنارگذاشتن خشونت به‌مثابه یک راهبرد متمرکز دارد. بعد سخت‌افزاری بر تثبیت اقتدار نظامی-جغرافیایی و اجتماعی-ملی نظام سیاسی و نامیدکردن و از این رهگذر، وادارسازی دشمن به پذیرش اقتدار آن و پیگیری هدف‌های متقابل از راه مذاکره متمرکز است. برخورد نرم بیشتر زمینه‌ساز، توجیه‌کننده و پوشش‌دهنده‌ی کارزار سخت است. چنانچه گفته‌اند، زور تنها با زور قابل مهار است و تا نیروی مدافع نتواند در برابر نیروی مخاصم بایستد و معادله را در عرصه‌ی نبرد به نفع خود تغییر دهد، دشمن/طالبان بر استفاده از زور/خشونت و رویکردهای سخت‌افزارانه اصرار خواهد ورزید. محکوم‌کردن‌های بدون پشتوانه با هرافلاطی نیز، هیچ تأثیری بر رویکردها، روحیه، شیوه‌های برخورد و تاکتیک‌های آن نخواهد داشت. مکرر گفته شده است که برخورد دولت افغانستان با دشمن هرگز از موضع اقتدار و در نهایت تمام‌کننده و سرکوبگرانه نبوده است. به‌همین دلیل، هنوز دشمن/طالبان چه در بعد نرم‌افزارانه چه در بعد سخت‌افزارانه متقاعد یا وادار به پذیرش اقتدار و در نهایت خواست‌های دولت و ملت افغانستان نشده است. دولت، در بخش سیاست‌گذاری، در بخش تاکتیکی نیز در بخش اجرا گرفتار ضعف و نارسایی‌های کارکردی بوده است. فقدان نگاه واحد و راهبرد جامع و کارآمد سبب سردرگمی در برخورد با مسایل کلان مربوط به جنگ و صلح و از دست رفتن فرصت‌های ملی برای رشد و امید به آینده‌ی نظام سیاسی و اجتماعی موجود شده است. تا نگاه سیاست‌ورزان و تصمیم‌سازان به جنگ و صلح، موردی و اسیر روزمرگی باشد، نیز راهبردی مورد وفاق و کارآمد در برخورد با مسایل کلان وجود نداشته باشد، طالبان و حامیان آن هرگز دست از بهره‌گیری مدام از زور و ابزارهای خشونت‌آمیز و سخت نخواهند کشید.

ابتدائاً جنگ و صلح مبتنی بر محاسبه‌ی سود و زیان و ارزیابی توانایی است و برداشت نیروهای مخاصم از توانایی‌ها، مقبولیت عمومی و ظرفیت‌های فکری-معنایی و مادی طرف‌ها تعیین‌کننده‌ی رویکردها، راهبردها و الگوهای برخورد و تاکتیک‌هاست. حکومت، گرفتار شکاف ساختاری است و انرژی و فرصت‌های نیروهای درون‌حکومتی بیشتر صرف درگیری‌ها بر سر تقسیم منابع قدرت، ثروت، اعتبارات و فرصت‌ها، نیز غرق در فساد و اسیر ناکارآمدی است. در چنین وضعی، طالبان و حامیان آن، اصولاً نباید از پیگیری هدف‌های خود از راه جنگ دست بکشند.

در نهایت، بازنده‌ی اصلی این وضعیت مردم افغانستان است. مردمی که گویی برای قربانی شدن آفریده شده‌اند و به هربهانه‌ی و در هرجایی از جهان مدام باید تحقیر شوند، محرومیت بکشند و بمیرند؛ بی‌آنکه آب از آب تکان بخورد. مردمی که به فاجعه‌ها خو گرفته و گویی این وضعیت را چون تقدیری محتوم پذیرفته‌اند و برای تغییر در آن هیچ کاری نمی‌کنند و تا چنین است، سوگمندان، درها بر امید به بهبود وضعیت‌ها و آینده‌ی روشن هم‌چنان بسته خواهد ماند.

مشاور حقوقی دولت هند: دیگر ادعایی بر الماس کوه نور نداریم

اطلاعات روز: رنجیت کمار، مشاور عالی حقوقی دولت هند به دیوان عالی کشورش گفته است هند دیگر ادعایی بر الماس کوه نور ندارد زیرا این الماس «نه دزدیده شده و نه به‌زور برده شده است».

به‌نقل از بی‌بی‌سی، آقای کومار گفته است زمامداران سابق پنجاب این الماس را به شرکت هند شرقی «هدیه داده بودند».

الماس کوه نور ۱۵۰ قیراط وزن دارد و آخرین بار بر تاج ملکه‌ی مادر بریتانیا قرار داشت. این الماس در قرن هژده‌ی میلادی پس از تصرف دهلی به دست نادر افشار به ایران آورده شد. پس از کشته شدن نادر افشار، خاتم وی این الماس را به احمدخان ابدالی داد.

هند درحالی می‌گوید دیگر ادعای بر این الماس ندارد که از ۱۵۰ سال پیش تا کنون این الماس جزئی از جواهرات سلطنتی بریتانیا بوده است.

این الماس در کنار دیگر اقلام جواهرات سلطنتی هند درحالی می‌گوید دیگر ادعای بر این الماس ندارد که از ۱۵۰ سال پیش تا کنون این الماس جزئی از جواهرات سلطنتی بریتانیا بوده است.



رییس‌جمهور برزیل: در برابر استیضاح احتمالی کوتاه نمی‌آیم

اطلاعات روز: پس از آن که به روز یک‌شنبه ۳۴۲ نماینده‌ی مجلس برزیل برای استیضاح رییس‌جمهور این کشور رأی مثبت دادند، اکنون دیلما روسف ۶۸ ساله می‌گوید «کوتاه نمی‌آید. رییس‌جمهور برزیل در یک سخنرانی که به‌صورت زنده از تلویزیون به‌نشر می‌رسد وعده سپرد که در برابر استیضاح احتمالی‌اش دست به مبارزه‌ی طولانی بزند».

رییس‌جمهوری برزیل در واکنش به آغاز احتمالی روند استیضاح خود، گفت: «من انرژی و قدرت و شجاعت دارم. اجازه نخواهم داد که از این ماجرا فلج بشوم. من به مبارزه ادامه خواهم داد».

به‌نقل از صدای آمریکا، دیلما روسف دومین رییس‌جمهور چپ‌گرای برزیل است که در چهار دهه‌ی اخیر با این اتهام روبه‌رو است که برای پیروزی در دومین دوره‌ی انتخابات

ریاست‌جمهوری، کمبود بودجه‌ی دولت در دو سال پیش را با «حساب‌سازی» پنهان کرده تا شانس پیروزی‌اش افزایش بیابد.

علاوه‌براین، رییس‌جمهور برزیل متهم است که او مسئول نهایی وخیم‌ترین رکود اقتصادی این کشور در دهه‌ی اخیر و فساد و حیف‌ومیل در شرکت پتراوبراس است.

براساس قانون اساسی برزیل، در صورتی که دو سوم مجلس ۵۱۳ نفری برزیل به استیضاح رییس‌جمهور رأی مثبت بدهند، درخواست استیضاح به مجلس سنا ارجاع می‌شود. در صورتی که مجلس سنا استیضاح رییس‌جمهور را تأیید کند، خاتم دیلما روسف وظیفه‌اش تعلیق می‌شود و حداکثر ۱۸۰ روز برای دفاع از خودش در دادگاه فرصت دارد. در این مدت معاون او عهده‌دار امور ریاست‌جمهوری خواهد بود.

چهار خبرنگار آسوشیتدپرس برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر ۲۰۱۶ شدند

اطلاعات روز: چهار خبرنگار آسوشیتدپرس به‌خاطر تهیه‌ی مجموعه گزارش‌های افشاگر درباره‌ی برده‌داری در صنعت ماهی‌گیری در جنوب‌شرق آسیا برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر در سال ۲۰۱۶ شدند.

این چهار نفر به‌مدت ۱۸ ماه صنعت ماهی‌گیری را در جنوب‌شرق آسیا زیر نظر گرفتند و پس از آن گزارش‌هایی را درباره‌ی مردان میانماری که در یکی از جزایر اندونزی به اسارت گرفته شده بودند، تهیه کردند.

به‌نقل از رادیو زمانه، نشر این گزارش‌ها باعث شد که دو هزار کارگری که به بردگی گرفته شده بودند، آزاد شوند.

امسال صدمین دوره‌ی اهدای جوایز پولیتزر برگزار شد. در کنار جایزه‌ی پولیتزر خبرنگاران،

جایزه‌ی پولیتزر در بخش ادبیات نمایشی به نمایشنامه‌ی «همیلتون» نوشته‌ی لین ماثوئل میراندا تعلق گرفت. ویت‌تان نگوین، نویسنده‌ی ویتنامی‌تبار هم به‌خاطر رمان «همدلی» جایزه‌ی پولیتزر را به‌دست آورد.

جایزه‌ی شعر پولیتزر نیز به پیتر بالاکیان شاعر و نویسنده‌ی ارمنی آمریکایی رسید. او برای کتاب شعر «OZONE JOURNAL» این جایزه را از آن خود کرد.

پولیتزر جایزه‌ی است که در سال ۱۹۱۷ توسط یک روزنامه‌نگار آمریکایی به‌نام جوزف پولیتزر بنیان گذاشته شد. این جایزه هر سال در ۲۰ رشته در دانشگاه کلمبیای نیویورک به برندگان آن اهدا می‌شود. هیأت داوران پولیتزر همگی از روزنامه‌نگاران و ناشران آمریکایی هستند.

جان کری: فقط حدود ۳ میلیارد دلار پس از برجام به ایران برگشته است

اطلاعات روز: جان کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا گفته است که پس از برجام فقط در حدود ۳ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدودشده‌ی ایران به این کشور بازگردانده شده است.

آقای کری شب ۱۸ اپریل در جمع یک گروه مدافع اسرائیل گفت که مجموع دارایی‌های مسدودشده‌ی ایران حدود ۵۵ میلیارد دلار بوده اما ایران تاکنون تنها به ۳ میلیارد آن دسترسی یافته است.

به‌نقل از بی‌بی‌سی فارسی، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا بار دیگر از توافق جامع اتمی دفاع کرده و گفته که برجام «همچنان بهترین روش برای جلوگیری از دست‌یابی ایران به سلاح اتمی» است.

درحالی که آقای کری این گفته‌ها را بیان می‌کند ایران اما می‌گوید به‌دلیل این که نظام مالی آمریکا به روی این کشور بسته است، قادر نیست دارایی‌های آزادشده‌ی خود در خارج از کشور را به ارزش‌های معتبری چون دلار مبادله یا وارد ایران کند.

هرچند دسترسی به نظام مالی آمریکا بخشی از توافق جامع اتمی ایران نمی‌باشد اما این کشور می‌گوید که دسترسی حداقلی به آن برای اجرای مؤثر برجام ضروری است.

پیش از این وزیر امور خارجه‌ی آمریکا گفته بود که ایران به‌دلیل پایبندی‌اش به برجام، مستحق برخورداری از منافع آن است.

مقام‌های ارشد آمریکایی پیش از این به‌صورت تلویحی از بررسی اجازه‌ی دسترسی ایران به نظام مالی این کشور خبر داده بودند. اما منتقدان دولت باراک اوباما از احتمال اجرایی شدن چنین تصمیمی انتقاد کردند.



معاون وزیر خارجه‌ی آمریکا: کره‌ی شمالی راه ایران را در پیش بگیرد

اطلاعات روز: آنتونی بلینکن، معاون وزیر امور خارجه‌ی آمریکا پس از دیدار با معاونان وزیر امور خارجه‌ی جاپان و کره‌ی جنوبی در سئول گفته است که کره‌ی شمالی برای تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای خود می‌تواند از توافق هسته‌ای با ایران تجربه بگیرد. پس از توافق ایران با گروه ۱+۵ و به‌دنبال توافق هسته‌ای، ایران از بعضی جنبه‌های حساس برنامه‌ی هسته‌ای خود عقب‌نشینی کرده و در مقابل تحریم‌های هسته‌ای علیه این کشور رفع یا تعلیق شده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، معاون وزیر امور خارجه‌ی آمریکا ابراز امیدواری کرده است که کره‌ی شمالی راه ایران را در پیش بگیرد.

این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که موج جدید آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی کره‌ی شمالی، نگرانی‌هایی را برای کره‌ی جنوبی و جاپان به‌بار آورده است.

رییس‌جمهور کره‌ی جنوبی روز دوشنبه گفت که کره‌ی شمالی در حال آماده شدن برای انجام پنجمین آزمایش اتمی خود می‌باشد.

کره‌ی شمالی در ماه جنوری چهارمین آزمایش اتمی خود را انجام داد. همچنان در ماه جاری میلادی یک موشک بالستیک را آزمایش کرد.

آزمایش‌های اخیر کره‌ی شمالی با واکنش‌های زیادی مواجه گردیده است. این آزمایش‌ها باعث شده است تا تنش‌ها در این منطقه بیشتر شود.

نگرانی در بارسلونا بخاطر سبک زندگی نیمار

در همین رابطه دیروز گزارش داد که در باشگاه بارسلونا نگرانی‌ها در مورد سبک زندگی شخصی نیمار بالا گرفته است. حضور نیمار در میهمانی‌های شبانه، سفرهای گاه و بیگاهش به برزیل برای حضور در کارناوال‌ها و جشن‌های خصوصی، حضور بیش از اندازه در محیط‌های اجتماعی به دلیل تعهدات تبلیغاتی‌یکه دارد، همه و همه باعث شده‌اند تا نگاه‌ها به شیوه زندگی نیمار دقیق‌تر و نزدیک‌تر شود. باید دید مدیران بارسا در نهایت چه راه‌کردی برای کنترل کردن ستاره برزیلی خود پیدا خواهند کرد.

در باشگاه بارسلونا همه نگران افت محسوس نیمار هستند و بسیاری، یکی از دلایل ناکامی‌های اخیر بارسا را به همین مساله ارتباط می‌دهند. بارسلونا چند هفته است که دچار افت محسوسی شده طوری‌که از ۵ بازی اخیر خود در ۴ بازی، متحمل شکست شده است. سه شکست متوالی این تیم در لالیگا باعث شده تا حاشیه امنیت خوب بارسا نسبت به اتلتیکو و رئال از بین رفته و نبرد قهرمانی لالیگا بسیار داغ و حساس شود. بسیاری یکی از دلایل شکست‌های اخیر بارسا را افت مثلث MSN، مخصوص نیمار می‌دانند. لاونگوردیا

زیدان:

چانس بارسلونا و اتلتیکو بیشتر است

است. معتقدم بارسلونا و اتلتیکو می‌توانند هر ۵ بازی بعدی را ببرند و این یعنی ما در صورت پیروزی در تمام بازی‌های باقی‌مانده نیز قهرمان نخواهیم شد. آن‌ها چانس بیشتری برای قهرمانی دارند. ما چاره‌ی نداریم جز این‌که به پیروزی در ۵ بازی بعدی فکر کرده و امیدوار باشیم بارسا و اتلتیکو امتیاز از دست بدهند.

این قول را به شما می‌دهم که تا ثانیه آخر به تلاش‌مان برای قهرمانی ادامه خواهیم داد و پاپس نمی‌کشیم. پس از شکست برابر اتلتیکو و زمانی‌که ۱۲ امتیاز از بارسلونا کم‌تر داشتیم هم گفته بودم که تا روز آخر به تلاش‌مان ادامه می‌دهیم. نقش هواداران: آن‌ها نیروی مضاعفی به ما می‌بخشند. نیازی نیست که من از آن‌ها درخواست کنم. هواداران نیز مثل همیشه پشت ما خواهند بود.

افت بارسلونا: به این مساله فکر نمی‌کنم. تمرکز من روی رئال است. در هر فصل هر تیمی ممکن است مقطعی دچار مشکل شود. افت بارسا برایم معنا ندارد چون آن‌ها هنوز صدرنشین هستند و اگر ۵ بازی بعدی خود را ببرند، قهرمان خواهند شد. ما سوم هستیم و باید تلاش کنیم از اتلتیکو پیشی بگیریم و سپس امیدوار باشیم بارسلونا باردیگر لغزش کند تا قهرمان شویم.

ارتباط با گرت بیل: او بازیکن و انسان بسیار خوبی است. اسپانیایی گرت هر روز بهتر می‌شود و ارتباط بسیار خوبی بین ما وجود دارد. بیل جوان است و هنوز جای بهتر شدن دارد.

ورزش

بی‌اعتمادی انریکه به ذخیره‌ها

چه کسی را بیرون بکشم؟ این سوالی بود که لوئیس انریکه در جریان دیدار بارسلونا والنسیا از دستیار اول خود پرسید اما پاسخ روشنی دریافت نکرد. برای سومین بار در این فصل ما شاهد هیچ تعویضی از سوی سرمربی بارسلونا نبودیم. بازی با والنسیا سومین بار بود که لوئیس انریکه ترجیح داد ۱۱ بازیکن ابتدایی را تا به انتها در زمین حفظ کند. پیش از این در بازی رفت برابر والنسیا در لالیگا و نیز بازی رفت یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان مقابل آرسنال ما شاهد اتفاقی مشابه بودیم. راک ۱ دیروز فاش ساخت که لوئیس انریکه در اواسط نیمه دوم رو به دستیار خود خوان کارلوس اونزوئه کرده و از وی پرسیده است که چه کسی را باید از بازی خارج کند اما در نهایت هر دو تصمیم گرفتند که هیچ تعویضی انجام نشود و به همان ۱۱ بازیکن درون زمین تا به انتها اعتماد کنند. انریکه در شرایطی برابر والنسیا از بازیکنان ذخیره خود استفاده نکرد که ۲-۱ از حریف خود عقب بود.

روی نیمکت بارسلونا در غیاب آردای محروم و رافینیا، فرمالن و متئوی مصدوم، بازیکنانی چون منیر، بارترا، داگلاس، آوس، ویدال و آدریانو حضور داشتند. انریکه بارها ثابت کرده است که اعتقاد چندانی به منیر ندارد و طبعاً ترجیح می‌داد در شرایطی که تیمش عقب است، نیمار، مسی و سوارز را در زمین حفظ کند. برای جانشین کردن بازیکنان میانی خود نیز انریکه گزینه مناسبی روی نیمکت نداشت.

در کناره‌ها نیز او می‌توانست ویدال و آوس را وارد زمین کند اما ویدال فاصله کیفی آشکاری با آلبا دارد و آوس نیز به نوعی تنبیه انضباطی شده بود. بارسلونا نیز در نهایت تاوان خستگی فیزیکی و ذهنی ۱۱ بازیکنی را داد که ۹۰ دقیقه کامل در زمین تا به انتها دویدند و روی نیمکت، گزینه‌ای برای جانشین شدن‌شان وجود نداشت.

این بارسلونا را با بارسلونای فصل قبل در چنین مقطعی نمی‌توان قیاس کرد. بارسا سال گذشته در هفته ۳۳ لالیگا به مصاف اسپانیول رفته بود و ۰-۲ نیز پیروز شد در حالیکه انریکه روی نیمکت خود بازیکنانی چون ژاوی، پدرو، رافینیا و سرجی روبرتو را داشت. بارسلونا ۵ بازی دیگر در لالیگا پیش رو دارد و برای قهرمانی باید در هر ۵ مسابقه پیروز شود، مشخص نیست که انریکه با این مجموعه تحلیل رفته و نیمکتی که بدان اعتمادی ندارد، قادر به برآورده کردن انتظارات هواداران بارسا خواهد شد یا خیر.

ویدال: امیدوارم الکسیس به بایرن بیاید

آرتورو ویدال، هافبک بایرن مونیخ عنوان کرد که امیدوار است الکسیس سانچز به بایرن مونیخ بپیوندد. او و سانچز مدت‌هاست در تیم ملی شیلی هم بازی هستند و رابطه خوبی با یک‌دیگر دارند. به نظر می‌رسد کارلو آنچلوتی خواهان حضور سانچز در بایرن مونیخ است و به باشگاه دستور جذب او را داده، خبری که ویدال از آن خوشحال است و به وقوع آن خوشبین است. او گفت: ما از تیم زیر ۲۰ سال با یک‌دیگر هم‌تیمی بودیم بنابراین هم‌تیمی شدن با او خیلی فوق‌العاده است. ویدال درباره شرایط بایرن گفت: تیم روی نوار برد است و خوب کار کرده است. اولویت ما بوندس لیگا است و تمرکزمان روی بازی شبیه تا جام را کسب کنیم ولی هدف ما سه گانه است.

بارسلونا

به دنبال جذب مت هوملس

روزنامه بیلد مدعی شد که بارسلونا به دنبال جذب مت هوملس، مدافع پروسیا دورتموند است. آردیو برابدا، مدیر ورزشی بارسلونا از هواداران هوملس است و همچنین شرایط پیر امریک او بامیانگ را نیز در ماموریت بررسی خود تحت نظر دارد. گفته می‌شود که بارسلونا هنوز پیشنهاد رسمی برای هوملس ارائه نکرده ولی به نظر هوملس در مورد آینده‌اش در دورتموند مردد است. یک سال از قرارداد او با زرد و مشکی پوشان باقی مانده و مصاحبه اخیرش شایعه جدایی‌اش را قوت داده است. او اخیراً به روزنامه بیلد گفته بود: التزامی در جدایی از باشگاه نمی‌بینم ولی باید تصمیم بزرگی بگیرم. خیلی دو دل شده‌ام. هوملس مدت‌هاست تحت نظر بارسلوناست. فصل‌های گذشته گفته می‌شد که بارسا برای جذب این مدافع آلمانی پیشنهاداتی ارائه کرده ولی تا به حال موفق به جذب او نشده است.

گولیت: فینال بین بایرن و رئال خواهد بود

رود گولیت، اسطوره فوتبال هلند معتقد است که فینال چمپیونزلیگ بین بایرن و رئال مادرید خواهد بود. باواریایی‌ها در نیمه نهایی باید به مصاف اتلتیکومادرید بروند که موفق شده مدافع عنوان قهرمانی، بارسلونا را حذف کند و در دیگر دیدار این مرحله، رئال به مصاف سیتی خواهد رفت. گولیت معتقد است که رئال و بایرن می‌توانند رقبای خود را شکست داده و به فینال برسند. او گفت: فکر می‌کنم گواردیولا داشته باشد رئال و بایرن در فینال بازی کنند که فینال فوق‌العاده‌ی خواهد بود. رسیدن منچسترستی به این مرحله

پویول:

نیمار بسیار حرفه‌ی است

کارلس پویول، اسطوره باشگاه بارسلونا به تمجید از نیمار، ستاره این تیم پرداخت و او را "بسیار حرفه‌ی" خواند. ۵ بازی از آخرین بازی که نیمار موفق به گول‌زنی شده می‌گذرد و در این مدت بارسا امتیازات زیادی در لالیگا از دست داده و از چمپیونزلیگ نیز کنار رفته است. او همچنین پس از شکست مقابل والنسیا با مدافع آن‌ها درگیر شد که احتمالاً باعث محرومیت او خواهد شد با این حال پویول او را یک حرفه‌ی می‌داند و به تمجید از او پرداخت.

او گفت: نمی‌توان همیشه در بالاترین سطح بود. نیمار هنوز جوان است و او خیلی حرفه‌ی است. باید قبول کنیم که همیشه نمی‌تواند در یک سطح قابل توجه باقی بماند ولی او بار دیگر عالی کار خواهد کرد. یک بازی بد برای نیمار هنوز هم می‌تواند خوب محسوب شود زیرا او کارهای استثنایی انجام می‌دهد. پویول درباره روزهای سخت بارسا گفت: به نظر من بارسلونا همچنان از بهترین تیم‌های دنیاست. درک روند شکست‌های اخیر آن‌ها سخت است. طبیعی نیست، ولی آن‌ها بازیکنان بزرگی دارند و هنوز می‌توانند قهرمان لالیگا و کوپا دل ری شوند.

هافبک والنسیا:

نیمار بازنده خوبی نیست

هافبک والنسیا به انتقاد از رفتار ستاره بارسلونا در دیدار یک‌شنبه شب والنسیا مقابل این تیم پرداخت. نیمار در شب شکست تیمش مقابل والنسیا حاشیه‌های زیادی از جمله سیلی زدن به مدافع والنسیا و پرتاب بطری آب در تونل ورزشگاه به او ایجاد کرد. سانتی مینا، هافبک والنسیا، در همین مورد به انتقاد از رفتار نیمار پرداخت.

هافبک والنسیا گفت: من دیدم که

فابریگاس:

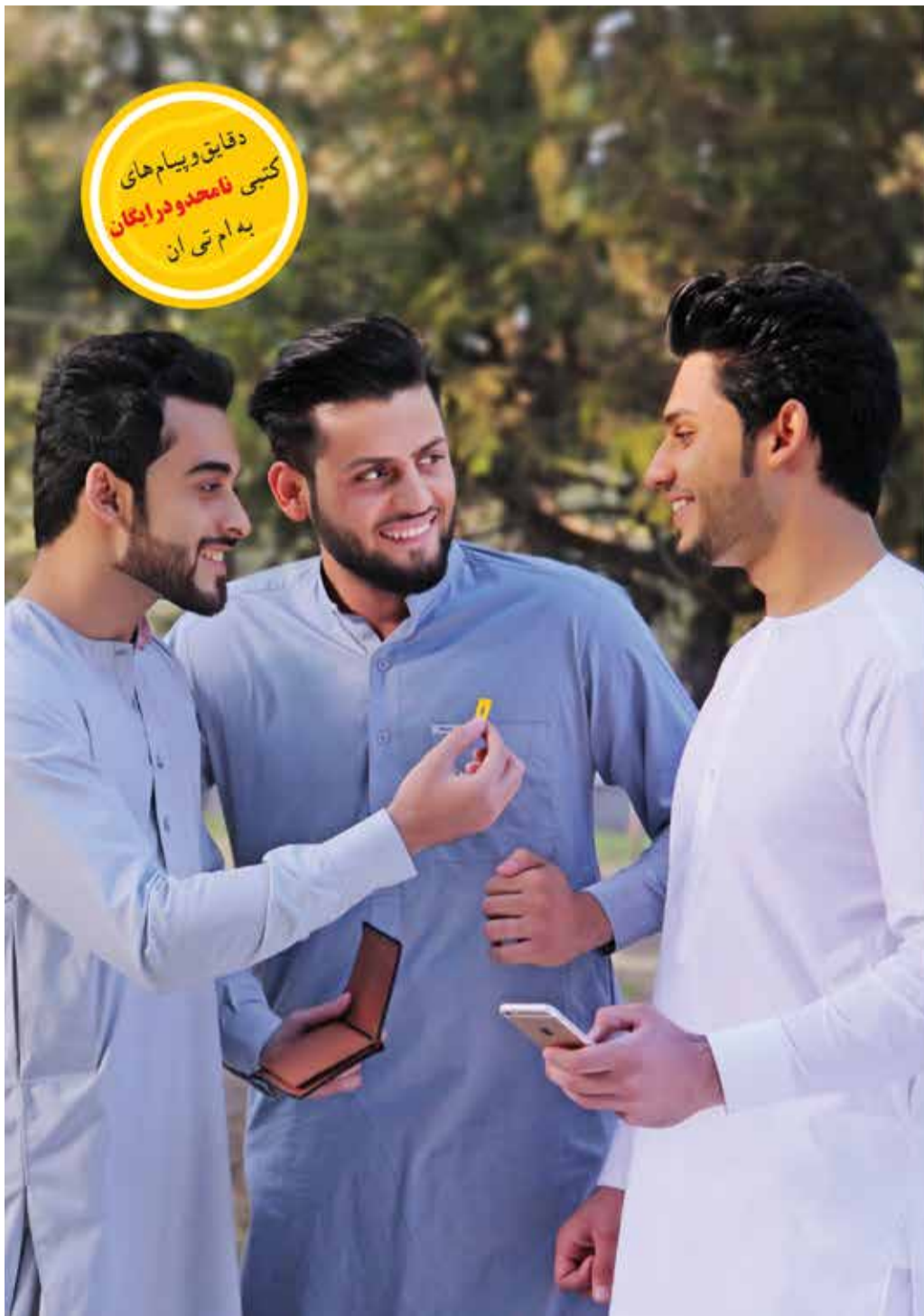
با آمدن کونته دیگر بهانه‌ی نداریم

واقعاً جالب بود زیرا می‌توانستید ببینید که او عاشق فوتبال هجومی است و از نظر تاکتیکی تیم‌های او بسیار سازمان یافته هستند.

با توجه به چیزی که شنیدم و چیزهایی که خیلی از بازیکنان حرفه‌ی در مورد او گفته‌اند، او بسیار منظم است و یک برنده و مبارز. این چیزی است که ما نیاز داریم. ما به کسی نیاز داریم که همیشه پشت سر ما باشد و ما را به جلو حرکت بدهد و کاری کند که به سختی تلاش کنیم و به ما چیزهای جدید یاد بدهد.

می‌دانم که او می‌خواهد ما خیلی سریع به پیروزی برسیم. هیچ دوره گذاری و بهانه‌ی وجود ندارد. او می‌خواهد پیروز شود؛ فقط پیروزی و ما باید از روز اول آماده شویم.





دقایق و پیام های
کتبی نامحدود رایگان
به ام تی ان

سیمکارت ام تی ان خویش را دوباره فعال نمایید!

تماس ها و پیام های کتبی نامحدود رایگان را بدست آرید

اگر شما از سیمکارت ام تی ان خویش از ۲۳ میزان سال ۱۳۹۴ بدینسو استفاده نکرده اید، ۵۰ افغانی و یا بیشتر از آن در حساب خویش اضافه نموده و به تمام شماره های ام تی ان تماس ها و پیام های کتبی نامحدود رایگان را برای همان روز بدست آرید. شما نیز میتوانید در بسته ویژه روزانه ام تی ان اشتراک نمایید و در بدل ۵ افغانی فیس روزانه ۱۰۰ دقیقه رایگان و ۱۰۰ پیام کتبی رایگان برای همان روز بدست بیاورید.

برای اشتراک، همین حالا کریدت اضافه نمایید.

نام بسته	فعال نمودن	دقایق به ام تی ان	پیام های کتبی به ام تی ان	مزایای دیگر	مدت اعتبار	غیر فعال نمودن	فعال نمودن
بسته خوش آمدید	۵۰ افغانی و یا بیشتر اضافه نمایید	۱۰۰۰ دقیقه	۱۰۰ پیام کتبی	کریدت رایگان	همان روز	خیر	خیر
بسته ویژه روزانه	۳۲۱۰۱۶	۱۰۰ دقیقه	۱۰۰ پیام کتبی	کریدت رایگان	همان روز	۳۲۱۰۲۵	بله

* استفاده متصفحه قابل تطبیق میباشد.



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید. گیت و رجیستر سیمکارت حتی میباشد.

www.mtn.com.af | [MTNAfghanistan](https://www.facebook.com/MTNAfghanistan) | [MTNAF](https://twitter.com/MTNAF) | [MTNAfghanistan](https://www.linkedin.com/company/MTNAfghanistan) | [MTNAF](https://www.youtube.com/channel/UC...)

با شما در همه جا

اکنون خدمات انترنتی 3.75G+ در بغلان جدید و پلخمری قابل دسترس می باشد



سریع ترین انترنت - نازلترین قیمت

۱ جی بی در بدل ۲۰ افغانی

برای اشتراک: N1GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید

مدت اعتبار این بسته ۲۴ ساعت بوده و از ساعت ۱۱ شب الی ۷ صبح قابل استفاده میباشد

این پیشکش شبانه الی ۱۳ ثور ۱۳۹۵ قابل اعتبار میباشد

